

العربی؛ فتح الباری: ابن حجر (م. ۸۵۲ق.)، بیروت، دار المعرفه؛ الکافی: الکلینی (م. ۳۲۹ق.)، به کوشش غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ش؛ المحبّر: ابن حبیب (م. ۲۴۵ق.)، به کوشش ایلزه لیختن شتیتیر، بیروت، دار الآفاق الجدیده؛ مراد الاطلاع: صفی الدین عبدالؤمن بغدادی (م. ۷۳۹ق.)، بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۲ق؛ المستدرک علی الصحیحین: الحاکم النیشابوری (م. ۴۰۵ق.)، به کوشش مرعشلی، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶ق؛ مسند احمد: احمد بن حنبل (م. ۲۴۱ق.)، بیروت، دار صادر؛ المعارف: ابن قتیبه (م. ۲۷۶ق.)، به کوشش ثروت عکاشه، قاهره، دار المعارف؛ معرفة الصحابه: ابونعیم الاصفهانی (م. ۴۳۰ق.)، به کوشش العزازی، ریاض، دار الوطن، ۱۴۱۹ق.


حامد قرائتی




اسماء ذات النطاقین ← اسماء بنت

ابی بکر

اسماعیل از پیامبران الهی، فرزند

بزرگ ابراهیم ، دارای لقب ذبیح الله،


شرکت کننده در ساخت کعبه، جد اعلای

پیامبر اکرم 

برخی از واژه پژوهان، اسماعیل را کلمه‌ای

معرّب، از اصلی عبری و مرکب از دو واژه

«یسمع» (یسمع: می شنود) و «ایل» (الله)

دانسته‌اند.^۱ از دیدگاه برخی پژوهشگران، این واژه عبری (אִשְׁמַעֵל) با ورود به زبان سریانی، صورت «اشمائیل» به خود گرفته و از این راه وارد زبان عربی شده و به شکل اسماعیل درآمده است.^۲ آرتور جفری ریشه کهن این واژه و صورت‌های آن در زبان عبری، حبشی و دیگر زبان‌های سامی را بررسی کرده است.^۳ نام اسماعیل با معنای لغوی آن و سبب نام‌گذاری حضرت اسماعیل  به این نام با اجابت یک دعا پیوند خورده است. البته درباره این دعاکننده و مضمون آن اختلاف است. به گزارش کتاب مقدس، هنگامی که هاجر از خدا فرزندی خواست، فرشته‌ای بشارت داد که به زودی دارای پسر خواهد شد و از او خواست چون خداوند دعای او را شنید و اجابت کرد، نام فرزند خود را اسماعیل بگذارد.^۴ به گفته مسعودی، چون خداوند دعای هاجر را درباره ساره اجابت کرد، هاجر این نام را بر اسماعیل نهاد.^۵ به گفته جوالیقی^۶ و بغوی^۷ حضرت

۱. المغرب، ص ۱۰۵.

۲. المزهر، ج ۱، ص ۲۱۶؛ واژه‌های دخیل، ص ۱۲۲؛ قس: الطبقات، ج ۱، ص ۴۱.

۳. واژه‌های دخیل، ص ۱۲۲.

۴. کتاب مقدس، پیدایش، ۱۶: ۱۱.

۵. مروج الذهب، ج ۲، ص ۲۱.

۶. المغرب، ص ۱۰۵.

۷. تفسیر بغوی، ج ۱، ص ۱۱۴؛ نک: مروج الذهب، ج ۲، ص ۲۱.

برای ذبح خود، به او وعده داد که در برابر این رخداد بردبار باشد. همین که اسماعیل علیه السلام به صراحت در شمار صابران یاد شده، تأییدی بر درستی تطبیق اسماعیل بر آن غلام حلیم است. (صافات/۳۷، ۱۰۱-۱۰۲؛ انبیاء/۲۱، ۸۵) ←
همین مقاله، ذبح اسماعیل)

مادر اسماعیل، هاجر علیها السلام کنیز مصری ساره، همسر نخست ابراهیم، بود که به سبب نازایی آن بانو و با پیشنهاد خود او^۳ به ازدواج ابراهیم علیه السلام درآمد.^۴ عهد عتیق تاریخ این ازدواج را ۱۰ سال پس از ورود ابراهیم علیه السلام به کنعان می‌داند.^۵ قرآن کریم تولد اسماعیل را عطیه‌ای الهی برای ابراهیم علیه السلام می‌شمرد که در دوران کهنسالی او رخ داد: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ﴾. (ابراهیم/۱۴، ۳۹) سن وی هنگام تولد اسماعیل به اختلاف ۸۶، ۸۷، ۹۰، ۹۹ و ۱۱۷ سال گزارش شده است.^۶

درباره دوران کودکی اسماعیل علیه السلام پیش از هجرت از کنعان، داده‌های چندان در دست نیست. عهد عتیق آزار اسماعیل علیه السلام به اسحاق علیه السلام و رانده شدن او و مادرش از سوی

۳. کتاب مقدس، پیدایش، ۱۶: ۱-۲؛ تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۲۵.
۴. کتاب مقدس، پیدایش، ۱۵: ۱۶؛ تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۲۵؛ قاموس کتاب مقدس، ص ۷۳.
۵. کتاب مقدس، پیدایش، ۱۶: ۱-۴.
۶. کتاب مقدس، پیدایش، ۱۶: ۱۵-۱۶؛ تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۲۵؛ مروج الذهب، ج ۱، ص ۵۷.

ابراهیم علیه السلام هنگام درخواست فرزند، دو واژه «اشمع» و «ایل» (خدایا! دعایم بشنو) را به کار برد و پس از اجابت دعایش و تولد اسماعیل علیه السلام از همان واژگان برای نامیدن او بهره برد.

◀ تولد و کودکی اسماعیل علیه السلام: هر

یک از رخدادهای مهمی که در دوران کودکی حضرت اسماعیل علیه السلام و پیش از آن رخ داده است، نقطه عطفی در تاریخ زندگی ایشان و نیز تاریخ دعوت توحیدی و منطقه حجاز، به ویژه شهر مکه به شمار می‌رود. تولد و هجرت او به سرزمین حجاز و نقش وی در آبادانی مکه، از مهم‌ترین موارد این رخدادها است.

۱. ▼ تولد: هنگامی که حضرت ابراهیم علیه السلام

از آتش نمرودیان نجات یافت، به فرمان خداوند، سرزمین آنان را به سوی بیت المقدس ترک کرد. (انبیاء/۲۱، ۶۸-۷۱) وی از خداوند خواست فرزندانی صالح به او عطا فرماید. خداوند تولد پسری بردبار را به وی بشارت داد. (صافات/۳۷، ۹۷-۱۰۱) بسیاری از مفسران، این فرزند را اسماعیل علیه السلام دانسته‌اند.^۲ این فرزند در پی آگاهی از رویای پدرش

۱. جامع البیان، ج ۲۳، ص ۸۹؛ معانی القرآن، ج ۶، ص ۴۶؛ المیزان، ج ۷، ص ۲۳۰.
۲. تفسیر مجاهد، ص ۵۴۳؛ مجمع البیان، ج ۸، ص ۳۲۲؛ الصافی، ج ۴، ص ۲۷۶.

ساره و ناخرسندی ابراهیم علیه السلام از این رخداد را گزارش کرده است.^۱ بر پایه برخی روایات، حضرت اسحاق علیه السلام در سه سالگی روی دامن ابراهیم علیه السلام نشسته بود که اسماعیل علیه السلام او را کنار زد و خود در دامن پدر نشست. ساره با دیدن این صحنه رنجید و از ابراهیم خواست که هاجر و اسماعیل را از سرزمین شام دور سازد.^۲

۲. مهاجرت به مکه: روایت‌های مربوط

به سبب مهاجرت هاجر علیه السلام و اسماعیل علیه السلام ظاهری یکسان ندارند. کتاب مقدس^۳ و برخی منابع اسلامی^۴ حسادت ساره به هاجر، تلاش وی برای پیشگیری از جانشینی اسماعیل علیه السلام به جای پدر، همچنین آزار و اذیت اسحاق علیه السلام به دست اسماعیل علیه السلام را در این زمینه دخیل شمرده‌اند. برخی منابع دیگر^۵ عنایت بیشتر ابراهیم علیه السلام به اسماعیل را سبب دانسته‌اند. بر پایه این گزارش‌ها، ساره از ابراهیم خواست تا هاجر و فرزندش را از وی دور کند. آیات و روایت‌ها^۶ نشان می‌دهند که سکونت آنان در

مکه به فرمان خدا، با هدایت جبرئیل^۷ و در مسیر گسترش دعوت و تقویت پایگاه توحید بوده است. بر پایه آیات قرآن، حضرت ابراهیم علیه السلام از ساکن ساختن برخی از فرزندان خود در دره‌ای بی کشت و زرع در کنار بیت الله الحرام با هدف گزاردن نماز سخن می‌گوید و از خداوند می‌خواهد که دل‌های مردم را به سوی آنان جذب و از میوه‌ها و محصولات زمین روزی‌شان کند: ﴿رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْتِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ﴾ (ابراهیم/۱۴، ۳۷) رسالت حضرت اسماعیل علیه السلام در میان برخی قبایل عربی، پیدایش عرب‌های موسوم به «مستعربه» از نسل وی، و نقش تاریخی او در بازسازی کعبه و حضور فرزندانش در تولیت آن، اهداف توحیدی این مهاجرت را تأیید می‌کنند. (← همین مقاله، نقش اسماعیل در تاریخ مکه، شخصیت اسماعیل و نقش اسماعیل در پیدایش قبایل عربی) این عامل با وجود زمینه‌های طبیعی و ظاهری یاد شده برای هجرت هاجر و اسماعیل به مکه منافات ندارد و شاید این فرمان الهی پس از درخواست ساره بوده باشد.^۸

گزارش عهد عتیق درباره محل مهاجرت و

۱. کتاب مقدس، پیدایش، ۲۱: ۹-۱۱.

۲. مجمع البیان، ج ۸، ص ۳۲۶؛ الصافی، ج ۶، ص ۱۹۳؛ بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۱۳۶.

۳. کتاب مقدس، پیدایش، ۱۶: قاموس کتاب مقدس، ص ۶۰-۶۱.

۴. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۶۰؛ تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۲۵.

۵. اخبار مکه، ج ۲، ص ۳۹؛ تاریخ طبری، ج ۱، ص ۲۵۳-۲۵۴؛ بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۱۳۶.

۶. مجمع البیان، ج ۶، ص ۸۶.

۷. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۶۰؛ جامع البیان، ج ۱، ص ۷۶۲.

۸. نک: تاریخ طبری، ج ۱، ص ۲۵۳-۲۵۴.

ساله بوده است.^۶ برخی از منابع وی را نوزادی شیرخوار یاد کرده‌اند.^۷ بر پایه شماری دیگر از گزارش‌ها، اسماعیل علیه السلام در سه سالگی اسحاق علیه السلام هنوز در کنعان بود. شماری از منابع فاصله میان سن آن دو را پنج،^۸ ۱۰ یا ۱۴ سال گزارش کرده‌اند. بر این اساس، باید سن وی هنگام مهاجرت هشت، ۱۳ یا ۱۵ سال بوده باشد. برخی از منابع روایی انجام نخستین مناسک حج از سوی اسماعیل علیه السلام همراه حضرت ابراهیم علیه السلام را در همین سفر نخست دانسته‌اند^۹ و این با نوزاد بودن اسماعیل در این هنگام سازگاری ندارد.

۳۷. نقش اسماعیل علیه السلام در پیدایش و آبادانی مکه: تاریخ‌نگاران مسلمان^{۱۰} و بیشتر مفسران^{۱۱} ذیل آیه ۳۷ ابراهیم/۱۴، پیدایش زمزم و گرد آمدن برخی قبایل در پیرامون آن و آبادی و رونق گرفتن مکه را با آمدن

۶. الطبقات، ج ۱، ص ۵۰؛ الدر المنثور، ج ۱، ص ۱۳۶؛ سبیل الهدی، ج ۱، ص ۱۴۸.

۷. السیرة النبویه، ابن کثیر، ج ۱، ص ۵۶؛ البداية و النهایه، ج ۲، ص ۲۳۱.

۸. اثبات الوصیه، ص ۳۱؛ نک: مجمع البیان، ج ۸، ص ۳۲۶.

۹. البدء و التاریخ، ج ۳، ص ۵۳.

۱۰. کتاب مقدس، پیدایش، ۱۷: ۲۴-۲۵؛ قس: پیدایش ۲۱: ۴-۵.

۱۱. الکافی، ج ۴، ص ۲۰۳.

۱۲. الکامل، ج ۱، ص ۱۰۳-۱۰۵؛ تاریخ ابن خلدون، ج ۱، ص ۳۵۰؛ قصص الانبیاء، جزائری، ص ۱۴۲.

۱۳. جامع البیان، ج ۱۳، ص ۳۰۰-۳۰۲؛ مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۸۹؛ میزان، ج ۱، ص ۲۸۸.

سکونت هاجر و اسماعیل، با روایت‌های اسلامی ناسازگار است. عهد عتیق از مهاجرت آنان به مصر، دچار شدنشان به گرما و تشنگی طاقت‌فرسا، نجات معجزه‌آسا از آن وضع و سکونتشان در بیابانی به نام «فاران» خبر داده است.^۱ بر پایه آگاهی‌های جغرافیایی کتاب مقدس، فاران نام یکی از بیابان‌های صحرای سینا است.^۲ اما در منابع تاریخی^۳ و جغرافیایی^۴ مسلمانان، فاران به کوه‌های پیرامون مکه و سرزمینی گسترده شامل حجاز و مکه گفته می‌شود. به گزارش تاریخ‌نگاران مسلمان، سکونت هاجر علیه السلام و اسماعیل علیه السلام در مکه و مجاورت خانه خدا، امری مسلم است^۵ که قرآن کریم نیز آن را به صراحت گزارش کرده است: ﴿رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ...﴾ (ابراهیم/۱۴، ۳۷) گزارش‌های مربوط به سن اسماعیل در دوران هجرت آشفته است و نمی‌توان در این زمینه به تاریخی دقیق دست یافت. به گزارش برخی از منابع اسلامی، او در این هنگام دو

۱. کتاب مقدس، پیدایش، ۲۱:۲۱؛ قاموس کتاب مقدس، ص ۶۰-۶۱.

۲. قاموس کتاب مقدس، ص ۳۵۶.

۳. البداية و النهایه، ج ۱، ص ۱۷۸؛ السیرة النبویه، ابن کثیر، ج ۱، ص ۵۶؛ امتاع الاسماع، ج ۳، ص ۳۸۵.

۴. معجم البلدان، ج ۳، ص ۱۳۱؛ ج ۴، ص ۲۲۵.

۵. تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۲۵؛ تاریخ طبری، ج ۱، ص ۲۵۵؛ الکامل، ج ۱، ص ۱۰۳.

هاجر علیه السلام و اسماعیل علیه السلام پیوند داده و آن را از آثار دعای حضرت ابراهیم علیه السلام دانسته‌اند. بر پایه برخی از روایات، هاجر علیه السلام جامه‌ای را که همراه داشت، بر درختی افکند و همراه اسماعیل علیه السلام در سایه آن پناه گرفت. حضرت ابراهیم علیه السلام هنگام ترک آنان، در پاسخ هاجر گفت: شما را به خدایی می‌سپارم که به فرمان وی در این سرزمین جایگزینتان کردم.^۱ بر پایه پاره‌ای گزارش‌ها، هاجر علیه السلام و اسماعیل علیه السلام در جای کنونی حجر اسماعیل سکونت یافتند.^۲ در روایتی منسوب به امام صادق علیه السلام، حجر اسماعیل * خانه ایشان معرفی شده است.^۳

در پی نایاب شدن آب آشامیدنی در آن بیابان خشک و سوزان، هاجر علیه السلام از کوه صفا بالا رفت و چون آبی یا کسی را نیافت، پایین آمد و از کوه مروه بالا رفت.^۴ درباره سبب این بالا رفتن، به مواردی چون جست‌وجوی آب^۵، یاری جستن از رهگذری^۶ یا نظاره گر مرگ

فرزند نشدن^۷ اشاره شده است. شماری از تاریخ‌نگاران^۸ و مفسران^۹ بالا رفتن هاجر از صفا و مروه را هفت بار شمرده‌اند و همین را سبب تشریح هفت بار سعی میان صفا و مروه دانسته‌اند. (صفا و مروه) سرانجام هاجر از فراز مروه آبی را در کنار اسماعیل علیه السلام دید و نزد وی بازگشت. او پیرامون آب را با رمل فراگرفت.^{۱۰} پیدایش این چشمه که بعدها زمزم نام گرفت، بر اثر ساییده شدن پای اسماعیل علیه السلام بر زمین و از ارهاصات وی دانسته شده است.^{۱۱} ارهاص، رویدادی فراعادی است که پیش از نبوت یک پیامبر و در پیوند با وی رخ می‌دهد. بر همین اساس، زمزم را «چاه اسماعیل» نیز خوانده‌اند.^{۱۲} (صفا و زمزم)

با پیدایش چشمه زمزم در آن بیابان بی‌آب و علف، برخی کاروان‌ها در آنجا توقف کردند و شماری از قبایل در پیرامون آن گرد آمدند. آن‌ها در آغاز نیازمندی‌های خود را به دست کاروان‌های عبوری تأمین می‌کردند که

۱. بخار الانوار، ج ۱۲، ص ۹۸؛ الصافی، ج ۳، ص ۹۲؛ نور الثقلین، ج ۲، ص ۵۴۹.
 ۲. جامع البیان، ج ۱، ص ۷۶۲.
 ۳. الکافی، ج ۴، ص ۲۱۰؛ بخار الانوار، ج ۱۲، ص ۱۱۷.
 ۴. الکافی، ج ۴، ص ۲۰۲؛ مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۸۹؛ روض الجنان، ج ۲، ص ۱۵۴.
 ۵. تاریخ طبری، ج ۱، ص ۲۵۲؛ الکافی، ج ۴، ص ۲۰۲؛ الکامل، ج ۱، ص ۱۰۳.
 ۶. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۶۱؛ جامع البیان، ج ۱۳، ص ۳۰۱؛ تفسیر ثعلبی، ج ۵، ص ۳۲۲.
 ۷. سیره ابن اسحاق، ج ۲، ص ۷۷؛ اخبار مکه، ج ۱، ص ۵۵.
 ۸. نک: تاریخ طبری، ج ۱، ص ۲۵۷؛ دلائل النبوه، ج ۲، ص ۴۸.
 ۹. احکام القرآن، جصاص، ج ۱، ص ۹۵؛ احکام القرآن، ابن عربی، ج ۳، ص ۹۵.
 ۱۰. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۶۱؛ جامع البیان، ج ۱۳، ص ۳۰۲؛ الصافی، ج ۳، ص ۹۳.
 ۱۱. الکافی، ج ۴، ص ۲۰۲؛ التفسیر الکبیر، ج ۱۹، ص ۱۳۶؛ الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۹۳۰.
 ۱۲. نک: تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۵۵؛ السیره النبویه، ابن هشام، ج ۱، ص ۹۷.

را به تفصیل آورده و گاه درباره جزئیات آن به قصه پردازی پرداخته‌اند.^۷ این کار در سال دوم سکونت هاجر و اسماعیل در مکه و با فرمان الهی گزارش شده است.^۸ بیشتر مفسران بر این باورند که کعبه پیش از ابراهیم علیه السلام وجود داشت؛ ولی آثارش تا حدی از میان رفته بود و حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام آن را بازسازی کردند.^۹ روایت‌های رسیده از امامان معصوم علیهم السلام نیز مؤید این گزارشند.^{۱۰} می‌گویند آن‌ها با راهنمایی جبرئیل جای کعبه را یافتند.^{۱۱} در برابر، مفسرانی مانند مجاهد و جز او گفته‌اند: کعبه نخستین بار به دست حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام ساخته شد.^{۱۲} (← کعبه) گفته‌اند: حضرت اسماعیل علیه السلام پیشتر سنگ گرد آورده بود^{۱۳} و هنگام ساخت کعبه، آن‌ها را به دست ابراهیم علیه السلام می‌داد و ایشان نیز دیوارهای آن را می‌ساخت.^{۱۴} بر پایه

۷. نک: تاریخ طبری، ج ۱، ص ۲۵۹-۲۶۰؛ صحیح البخاری، ج ۴، ص ۱۱۶-۱۱۷؛ اخبار مکه، ج ۲، ص ۳۲.

۸. الکافی، ج ۴، ص ۲۰۳.

۹. جامع البیان، ج ۱، ص ۷۴۹؛ مجمع البیان، ج ۲، ص ۳۸۲؛ التفسیر الکبیر، ج ۴، ص ۵۷.

۱۰. نک: الکافی، ج ۴، ص ۲۰۳؛ مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۸۸؛ بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۹۳-۹۴.

۱۱. تاریخ طبری، ج ۱، ص ۲۵۳؛ تفسیر قمی، ج ۱، ص ۶۲.

۱۲. التنبیان، ج ۱، ص ۴۶۲؛ مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۸۷.

۱۳. الکافی، ج ۴، ص ۲۰۳.

۱۴. تاریخ طبری، ج ۱، ص ۲۵۳؛ تفسیر قمی، ج ۱، ص ۶۲؛ نور

التقلین، ج ۱، ص ۱۲۹.

در آن جا توقف می‌نمودند.^۱ به گزارش منابع تاریخی^۲ و تفسیری^۳ قبیله جُرْهُم در مسیر حرکت به سوی شام با دیدن پرندگان بر روی کوه‌ها و صخره‌های مشرف بر زمزم، وجود آب را احتمال دادند و به سوی آن آمدند. بر پایه گزارشی دیگر، جرهمیان نزدیک مکه سکونت داشتند. آن‌ها با دیدن آب جاری، از هاجر علیه السلام و اسماعیل علیهما السلام اجازه خواستند که در آن محل سکنا گزیده، از آن آب بهره گیرند.^۴ شماری از دانشمندان با اشاره به موقعیت جغرافیایی و نبود آب در آن منطقه^۵، گوارایی و فراوانی آب زمزم^۶ را سبب گرد آمدن قبیله جرهم^{*} و پیدایش شهر مکه دانسته‌اند.

◀ اسماعیل علیه السلام و بنای کعبه: قرآن کریم

از همکاری اسماعیل با پدرش ابراهیم علیهما السلام در بالا بردن پایه‌های کعبه و بازسازی آن خبر می‌دهد: ﴿إِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ (بقره/۲، ۱۲۷) روایت‌های اسلامی این داستان

۱. الکافی، ج ۴، ص ۲۰۲.

۲. تاریخ طبری، ج ۱، ص ۲۵۶؛ البداية و النهایه، ج ۱، ص ۱۷۹؛ تاریخ ابن خلدون، ج ۱، ص ۳۵۰.

۳. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۶۱؛ مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۸۹؛ تفسیر ثعلبی، ج ۵، ص ۳۲۲.

۴. نک: تاریخ طبری، ج ۱، ص ۲۵۸؛ تفسیر قمی، ج ۱، ص ۶۱؛ مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۸۹.

۵. جامع البیان، ج ۱۳، ص ۳۰۱؛ مجمع البیان، ج ۶، ص ۸۴؛ تفسیر بغوی، ج ۳، ص ۳۸.

۶. معجم البلدان، ج ۳، ص ۱۴۸.

برخی روایت‌ها، چهار فرشته سنگ می‌آوردند و حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهم‌السلام کعبه را می‌ساختند. آن‌ها دیوارها را تا ارتفاع ۱۲ ذراع ساختند و ذری برای ورود و بیرون رفتن در آن نهادند.^۱

حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهم‌السلام افزون بر ساختن کعبه، فرمان یافتند تا خانه خدا را برای طواف کنندگان، مجاوران، رکوع کنندگان و سجده کنندگان، پاک و پاکیزه کنند: «وَعَهْدَنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ» (بقره/۲، ۱۲۵) مقصود از تطهیر را پاک کردن خانه خدا از بت‌ها، مظاهر شرک و بت‌پرستی^۲، نجاساتی مانند خون و مدفوع حیوانات، و بنیاد نهادن آن بر پایه پاکی گفته‌اند.^۳ این کار می‌تواند مربوط به سال‌های پس از بازسازی کعبه باشد.

ابراهیم و اسماعیل علیهم‌السلام هنگام ساخت کعبه از خداوند خواستند تا از نسل آن‌ها امتی مسلمانی و تسلیم در برابر فرمان الهی پدید آورد: «رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِن دُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُّسْلِمَةً لَّكَ...» (بقره/۲، ۱۲۸) برخی مفسران «أُمَّةً مُّسْلِمَةً» را فقط اشاره به نوادگان اسماعیل علیهم‌السلام و شماری دیگر شامل بنی‌اسرائیل

نیز دانسته‌اند.^۴ آن دو همچنین هنگام ساختن کعبه از خداوند خواستند که از نسل آنان پیامبری را برانگیزد تا آیات الهی را برای آن‌ها تلاوت کند، کتاب و حکمت را به آنان بیاموزد و به ترکیه آنان بپردازد: «رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْنَا آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ...» (بقره/۲، ۱۲۹) مفسران مقصود از این پیامبر را رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دانسته‌اند.^۵ پیامبر گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز خود را مصداق این دعا دانسته است.^۶ مفرد آوردن واژه «رَسُولًا» نیز می‌تواند مؤید این معنا باشد؛ چرا که در میان بنی‌اسرائیل، پیامبران گوناگون برانگیخته شدند.

◀ **حج گزاری اسماعیل علیهم‌السلام:** حج گزاری حضرت اسماعیل علیهم‌السلام موضوعی دیگر است که مفسران ذیل برخی آیات قرآن کریم و نیز تاریخ‌نگاران به آن پرداخته‌اند. ابراهیم و اسماعیل علیهم‌السلام در زمان ساخت کعبه از خداوند خواستند که چگونگی عبادت و مناسکشان را نیز به آنان نشان دهد: «...وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا...» (بقره/۲، ۱۲۸) مفسران مقصود از مناسک را اعمال حج مانند طواف، سعی میان صفا و مروه، وقوف در عرفات، رمی جمرات

۱. الکافی، ج ۴، ص ۲۰۳.

۲. جامع البیان، ج ۱، ص ۷۴۹.

۳. التبیان، ج ۱، ص ۴۵۴؛ مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۸۲؛ المیزان، ج ۱،

ص ۲۸۱.

۴. جامع البیان، ج ۱، ص ۷۶۹.

۵. تنویر المقیاس، ص ۱۸؛ التبیان، ج ۱، ص ۴۶۶؛ التفسیر الکبیر،

ج ۴، ص ۷۲-۷۳.

۶. التبیان، ج ۱، ص ۴۶۷؛ مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۹۳.

◀ **ذبح اسماعیل** علیه السلام: به گزارش قرآن کریم، هنگامی که فرزند ابراهیم علیه السلام به سن جوانی رسید، ابراهیم در رؤیا دید که فرزند خود را سر می‌برد. او نظر پسرش را در این زمینه جویا شد. پسر، پدر را به انجام فرمان الهی دعوت کرد و وعده صبر و بردباری داد: ﴿قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ﴾ (صافات/۳۷، ۱۰۲) قرآن کریم بدون پرداختن به نام ذبیح و جزئیات دیگر این رویداد، فقط بخش‌های مهم و گزیده آن را در مسیر اهداف هدایتی و تربیتی خود گزارش کرده است. اما مفسران به جزئیات نیز پرداخته‌اند. بر پایه گفته برخی از مفسران، حضرت ابراهیم علیه السلام سه بار پیاپی در شب‌های ترویه*، عرفه و عید قربان رؤیای قربانی کردن فرزندش را دید. فردای شب اول در فکر فرورفت که این رؤیا رحمانی است یا شیطانی. از این رو، آن روز، ترویه نام گرفت. در روز دوم دانست که رؤیایش الهی است؛ پس آن روز، عرفه نامیده شد. در روز سوم نیز قصد ذبح فرزندش را کرد و از این رو، آن روز، روز قربانی کردن (عید قربان) نام گرفت.^۷ این سخنان با عهد پیامبران سازگار نیست؛ زیرا رؤیای آنان از گونه‌های وحی

۷. تفسیر مقاتل، ج ۳، ص ۱۰۴؛ التفسیر الکبیر، ج ۲۶، ص ۱۵۳؛ تفسیر بیضاوی، ج ۵، ص ۲۰.

و مانند آن دانسته‌اند که خداوند در پی آن دعا این مناسک را به آن دو آموخت.^۱ ظاهر برخی از آیات به انجام مناسک حج از سوی حضرت ابراهیم و اسماعیل علیه السلام اشاره دارد. (بقره/۲، ۱۲۸؛ صافات/۳۷، ۱۰۲)^۲ بر پایه برخی روایت‌ها، آن دو نخستین حج خود را پیش از بازسازی کعبه انجام دادند.^۳ از ظاهر روایت‌های دیگر برمی‌آید که نخستین حج آنان پس از ساخت کعبه بوده است.^۴ بر پایه برخی از روایات اسلامی، در نخستین حج، جبرئیل از آغاز مناسک تا پایان، همراه حضرت ابراهیم و اسماعیل علیه السلام بود و یکایک اعمال و مناسک حج مانند غسل ورود به حرم، چگونگی مُحَرَم و مُجَل شدن، تلبیه گفتن، سعی میان صفا و مروه و ذکرهای آن، استلام حجرالاسود، طواف کعبه و نماز در مقام ابراهیم را به آنان می‌آموخت.^۵ حج‌گزاری حضرت اسماعیل علیه السلام در سال‌های بعد نیز گزارش شده است.^۶

۱. جامع البیان، ج ۱، ص ۷۶۹؛ التبیان، ج ۱، ص ۴۶۴-۴۶۵؛ مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۹۲.
۲. جامع البیان، ج ۱، ص ۷۶۹؛ التبیان، ج ۱، ص ۴۶۴؛ تفسیر قرطبی، ج ۲، ص ۱۲۶.
۳. بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۹۳؛ جامع احادیث الشیعه، ج ۱۰، ص ۴۳۲.
۴. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۶۲؛ مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۸۹؛ بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۱۰۰.
۵. الکافی، ج ۴، ص ۲۰۲؛ علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۸۷؛ بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۹۳-۹۶.
۶. نک: الکافی، ج ۴، ص ۲۰۳-۲۰۵؛ علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۸۷-۵۸۸؛ وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۲۱۰-۲۱۲.

است و تردید در آن راه ندارد. درباره این نام‌گذاری‌ها وجوهی دیگر نیز گفته‌اند.^۱
(ترویه، عرفه، عید قربان)

۱۷. **ادله ذبیح بودن اسماعیل علیه السلام:** قرآن کریم در این زمینه که ذبیح کدام یک از دو فرزند ابراهیم بوده، سخنی نگفته است. از این رو، مفسران در آن به اختلاف سخن رانده‌اند. شماری از مفسران نخستین^۲، همه مفسران شیعه^۳ و برخی مفسران اهل سنت^۴ اسماعیل علیه السلام را ذبیح خوانده‌اند و برخی از مفسران نخستین^۵ و بیشتر اهل سنت^۶ هماهنگ با گزارش کتاب مقدس^۷ اسحاق علیه السلام را ذبیح دانسته‌اند. هر یک از دو گروه برای دیدگاه خویش ادله‌ای از قرآن، روایت‌ها و گزارش‌های تاریخی آورده‌اند. ادله ذبیح بودن حضرت اسماعیل علیه السلام که بیشتر و قوی‌ترند، از این قرارند:
أ. هنگامی که ابراهیم علیه السلام در پی رهایی از

آتش نمرودیان، با ترک قوم و سرزمین خویش به سوی شام^۸ (بیت المقدس^۹) روانه شد، از خداوند خواست تا فرزندی از زمره صالحان به وی عنایت کند: ﴿رَبِّ هَبْ لِي مِنْ الصَّالِحِينَ﴾ (صافات/۳۷، ۱۰۰) این درخواست نشان می‌دهد که در آن هنگام حضرت ابراهیم علیه السلام هیچ فرزندی نداشت؛ زیرا «مِنْ» برای تبعیض و کمترین مقدار «بعض» یک تن است. در پی این دعا، تولد «غلام حلیم» به وی بشارت داده شد. (صافات/۳۷، ۱۰۱) بر این اساس، «غلام حلیم» که قرآن کریم در ادامه از ذبیح وی خبر می‌دهد، نخستین پسر ابراهیم علیه السلام بوده است. عهد عتیق^{۱۰} و همه مسلمانان باور دارند که حضرت اسماعیل علیه السلام پیش از حضرت اسحاق علیه السلام زاده شد و نخستین پسر ابراهیم علیه السلام بود.^{۱۱} قرآن کریم نیز بشارت درباره اسماعیل علیه السلام و ولادت وی را پیش از بشارت ولادت اسحاق علیه السلام گزارش کرده است. (ابراهیم/۱۴، ۳۹؛ صافات/۳۷، ۱۰۰-۱۱۲) به گزارش عهد عتیق، از آن جا که ساره، مادر اسحاق علیه السلام بچه‌دار نمی‌شد، کنیز خود، هاجر،

۱. نک: تفسیر قمی، ج ۱، ص ۶۱ مجمع البیان، ج ۱۱، ص ۳۸۹؛ بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۱۲۵.
۲. نک: جامع البیان، ج ۲۳، ص ۱۰۰؛ التبیان، ج ۸، ص ۵۱۸؛ التفسیر الکبیر، ج ۲۶، ص ۱۵۸.
۳. التبیان، ج ۸، ص ۵۱۸؛ مجمع البیان، ج ۸، ص ۳۲۲؛ المیزان، ج ۷، ص ۲۲۲.
۴. تفسیر بیضاوی، ج ۵، ص ۲۰-۲۱؛ تفسیر ابن کثیر، ج ۴، ص ۱۶؛ احواء البیان، ج ۶، ص ۳۱۸.
۵. نک: جامع البیان، ج ۲۳، ص ۱۰۰؛ التبیان، ج ۸، ص ۵۱۸؛ التفسیر الکبیر، ج ۲، ص ۱۵۴.
۶. تفسیر مجاهد، ج ۲، ص ۵۴۳؛ تفسیر مقاتل، ج ۳، ص ۱۰۴؛ تاریخ طبری، ج ۱، ص ۲۶۳.
۷. کتاب مقدس، پیدایش، ۲۲: ۲-۱۳.

۸. التبیان، ج ۲، ص ۴۷۸؛ الکشاف، ج ۳، ص ۳۴۷؛ جوامع الجامع، ج ۳، ص ۱۷۱.
۹. جامع البیان، ج ۲۳، ص ۸۹؛ معانی القرآن، ج ۶، ص ۴۶؛ المیزان، ج ۷، ص ۲۳۰.
۱۰. کتاب مقدس، پیدایش، ۱۶: ۱-۱۷: ۱۵-۱۹.
۱۱. التفسیر الکبیر، ج ۲۶، ص ۱۵۴؛ البداية و النهاية، ج ۱، ص ۱۷۷؛ المیزان، ج ۷، ص ۲۳۴.

داد.^۵ ولی این معنا بر خلاف ظاهر آیه است.^۶
 ج. ویژگی‌های «غلام حلیم» و حضرت اسماعیل علیه السلام بر یکدیگر سازگارند. قرآن کریم «غلام» بشارت داده شده را با وصف «حلیم» یاد کرده و از وعده وی به پدرش ابراهیم علیه السلام برای صبر و بردباری وی هنگام قربانی شدنش خبر می‌دهد. (صافات/۳۷، ۱۰۱-۱۰۲) نیز حضرت اسماعیل علیه السلام را با وصف «صابر» یاد می‌کند. (انبیاء/۲۱، ۸۵) حضرت اسحاق علیه السلام نه تنها در قرآن با وصف حلیم یاد نشده، بلکه به صراحت با ویژگی «علیم» وصف شده است. (حجر/۱۵، ۵۳) این نشان می‌دهد که اسماعیل علیه السلام و «غلام حلیم» یک تن هستند و اسماعیل علیه السلام در هنگام قربانی شدن، شکیبایی نشان داده است.^۷ این نکته در روایتی منسوب به امام صادق و امام رضا علیهما السلام نیز آمده است.^۸ همچنین قرآن کریم حضرت اسماعیل علیه السلام را صادق الوعد شمرده است. (مریم/۱۹، ۵۴) این را به معنای وفای وی به وعده‌ای دانسته‌اند که او به پدرش داد تا بر ذبح خویش بردباری کند.^۹

د. بشارت تولد اسحاق علیه السلام به ابراهیم علیه السلام،

را به ازدواج حضرت ابراهیم علیه السلام درآورد. وی پس از تولد اسماعیل علیه السلام او و مادرش را از خود راند.^۱ نیز به گزارش عهد عتیق، حضرت ابراهیم علیه السلام فرمان یافت تا نخستین پسر خود را قربانی کند. پس به گونه طبیعی، فرزند ذبیح، اسماعیل علیه السلام بوده است. اما عهد عتیق به گونه‌ای تناقض آمیز، اسحاق علیه السلام را یگانه فرزند ابراهیم علیه السلام و ذبیح می‌خواند.^۲

ب. قرآن کریم پس از گزارش بشارت تولد «غلام حلیم» و ماجرای ذبح وی، درباره ولادت حضرت اسحاق علیه السلام نیز بشارت داده است. (صافات/۳۷، ۱۰۱-۱۰۷، ۱۱۲) بر این اساس، حضرت اسحاق علیه السلام نمی‌تواند همان «غلام حلیم» باشد؛ زیرا در این صورت، بشارت درباره وی تکراری است. تدبر در آیات نشان می‌دهد که بشارت مربوط به «غلام حلیم» چیزی جز بشارت درباره اسحاق علیه السلام است.^۳ اصل این استدلال از امام رضا علیه السلام روایت شده است.^۴ برخی در پاسخ به این دلیل، بشارت درباره اسحاق علیه السلام را مربوط به نبوت و نه ولادت وی دانسته و گفته‌اند: از آن‌جا که وی از آزمون قربانی شدن سربلند بیرون آمد، خداوند نبوت او را بشارت

۵. جامع البیان، ج ۲۳، ص ۱۰۲؛ التبیان، ج ۸، ص ۵۱۸.

۶. التبیان، ج ۸، ص ۵۱۸.

۷. نک: الکشاف، ج ۳، ص ۳۵۰؛ التفسیر الکبیر، ج ۲۶، ص ۱۵۳-

۱۵۴؛ تفسیر قرطبی، ج ۱۵، ص ۹۷.

۸. بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۱۲۳، ۱۳۰.

۹. الکشاف، ج ۳، ص ۳۵۰؛ التفسیر الکبیر، ج ۲۶، ص ۱۵۴.

۱. کتاب مقدس، پیدایش، ۲۱: ۱-۲۱.

۲. کتاب مقدس، پیدایش، ۲۲: ۱-۱۹.

۳. التبیان، ج ۸، ص ۵۱۸؛ الکشاف، ج ۳، ص ۳۵۰؛ المیزان، ج ۷، ص ۲۳۴.

۴. بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۱۲۹.

همراه بشارت تولد فرزندی از او به نام یعقوب علیه السلام بود. (هود/۱۱، ۷۱) در صورت صدور فرمان الهی به ذبح حضرت اسحاق علیه السلام، زمینه‌ای برای ولادت حضرت یعقوب علیه السلام و تحقق بشارت الهی درباره او باقی نمی‌ماند. ایشان باید زنده می‌ماند تا حضرت یعقوب علیه السلام زاده شود.^۱ (← اسحاق)

ه. شاهد دیگر در این زمینه، روایتی مشهور از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله است که در آن، ایشان خود را پسر دو ذبیح خوانده و به آن افتخار کرده است: «أنا ابن الذبیحین»^۲ آن‌گاه که مردی عرب وی را «ابن الذبیحین» خواند، ایشان تبسم کرد.^۳ با توجه به این که پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله از نسل حضرت اسماعیل علیه السلام شمرده می‌شود و حضرت اسحاق علیه السلام از نیاکان بنی اسرائیل است، بدون شک ذبیح نخست، اسماعیل علیه السلام است.^۴ ذبیح دوم نیز عبدالله پدر گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله است که به جای وی ۱۰۰ شتر قربانی شد. (← عبدالله)

و. امام علی علیه السلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خداوند را این گونه خوانده‌اند: «یا من فدی اسماعیل من

الذبیح»: ای خدایی که اسماعیل را از ذبح شدن نجات بخشید.^۵

ز. امام علی علیه السلام، امام باقر، امام صادق علیه السلام و امام رضا علیه السلام در پاسخ به این که ذبیح کیست، از اسماعیل علیه السلام یاد کردند. همچنین در روایت‌هایی از امام صادق و امام رضا علیه السلام آمده است که اگر حیوانی گرامی‌تر از گوسفند و گوشتی بهتر از گوشت آن بود، خداوند آن را فدیه اسماعیل علیه السلام می‌کرد.^۶ نیز ذبیح بودن اسماعیل علیه السلام در دعاها و زیارتنامه‌ها یاد شده و در همه دوره‌ها میان دانشوران و محدثان شیعه شهرت داشته است.^۷ البته روایت‌هایی درباره ذبیح بودن حضرت اسحاق علیه السلام نیز آمده است. (← اسحاق) ولی روایت‌های مربوط به ذبیح بودن اسماعیل علیه السلام بیشتر و صحیح‌ترند.^۸

ح. ماجرای ذبح فرزند ابراهیم علیه السلام در مکه روی داد؛ اما اسحاق علیه السلام در کنعان بود. اسماعیل علیه السلام به تصریح قرآن در کنار بیت الله الحرام سکنا گزید و همراه پدر به ساخت کعبه پرداخت. پس فقط او می‌تواند ذبیح باشد.^۹

۵. بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۴۰۱؛ نورالتقلین، ج ۴، ص ۴۲۱.

۶. الامالی، طوسی، ص ۳۳۸.

۷. بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۱۲۸، ۱۳۰.

۸. بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۱۲۳، ۱۲۹.

۹. الکافی، ج ۶، ص ۳۱۰؛ بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۱۳۱.

۱۰. بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۱۳۵، ۱۳۷.

۱۱. بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۱۳۵.

۱۲. الکشاف، ج ۳، ص ۳۵۰؛ التفسیر الکبیر، ج ۲۶، ص ۱۵۴.

۱. التبیان، ج ۸، ص ۵۱۸؛ الکشاف، ج ۳، ص ۳۵۰؛ التفسیر الکبیر، ج ۲۶، ص ۱۵۴.

۲. الامالی، طوسی، ص ۴۵۷؛ المناقب، ج ۳، ص ۴۰.

۳. مکارم الاخلاق، ص ۴۴۲؛ المستطرفات، ص ۶۲۰؛ البدایة و النهایة، ج ۱، ص ۱۸۴.

۴. التبیان، ج ۸، ص ۵۱۸؛ التفسیر الکبیر، ج ۲۶، ص ۱۵۴؛ کنزالفوائد، ج ۱۰۶، ص ۱۰۶.

رسیده و در سنی بود که همراه پدرش برای تأمین نیازمندی‌های روزمره تلاش و او را در کارهایش یاری می‌کرد.^۴ شماری دیگر مقصود از سعی را سعی میان صفا و مروه دانسته و گفته‌اند: ابراهیم علیه السلام در هنگام سعی، رؤیای خود را برای اسماعیل علیه السلام بازگو کرد.^۵ این تفسیر از روایتی منسوب به امام صادق علیه السلام نیز برداشت می‌شود.^۶

۲۷. واکنش اسماعیل علیه السلام به قربانی

شدن: محتوای گفت‌وگوی حضرت ابراهیم و اسماعیل علیه السلام درباره ذبح، موضوعی دیگری است که مفسران به آن پرداخته‌اند. قرآن کریم فقط نظرخواهی ابراهیم علیه السلام از اسماعیل علیه السلام درباره رؤیای خویش برای ذبح وی و سفارش اسماعیل علیه السلام به پدرش در انجام این فرمان و نیز وعده او را به صبر و بردباری در این زمینه گزارش کرده است. (صافات/۳۷، ۱۰۲) مفسران پرسیدن نظر اسماعیل علیه السلام را جلوه‌ای از ادب الهی ابراهیم علیه السلام و هدف آن را آسان‌تر شدن کار بر اسماعیل علیه السلام، پی بردن به میزان استقامت وی در راه خدا^۷، ورود آگاهانه او به

این استدلال از امام صادق علیه السلام نیز روایت شده است.^۱

ط. بر پایه پاره‌ای گزارش‌های تاریخی، شاخ‌های گوسفندی که به جای اسماعیل علیه السلام ذبح شد، سال‌ها در خانه کعبه آویخته شده بود تا آن‌گاه که در دوران عبدالله بن زبیر و در رویداد آتشباران کعبه به دست حجاج بن یوسف ثقفی، سوخت و از میان رفت. این نشان می‌دهد که ذبح در مکه رخ داده و ذبیح، اسماعیل علیه السلام است.^۲

ی. به تصریح برخی از دانشوران مسلمان شده یهودی، یهودیان با آگاهی از ذبیح بودن اسماعیل علیه السلام، به سبب حسادت به عرب‌ها، اسحاق علیه السلام را به جای وی معرفی کرده‌اند.^۳

باورمندان به ذبیح بودن اسحاق علیه السلام نیز به ادله‌ای استناد جسته‌اند. آن‌ها همچنین به برخی از ادله ذبیح بودن اسماعیل علیه السلام پاسخ داده‌اند. (← اسحاق)

درباره سن حضرت اسماعیل علیه السلام در دوران قربانی شدن نیز سخنی صریحی در قرآن نیامده و از آن با عنوان سن «سعی» یاد شده است: ﴿فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ﴾ (صافات/۳۷، ۱۰۲) بیشتر مفسران با اشاره به سن ۱۳ سالگی، در تفسیر سعی گفته‌اند: وی به مرحله نوجوانی

۴. جامع البیان، ج ۲۳، ص ۹۱؛ التبیان، ج ۸، ص ۵۱۶؛ مجمع البیان، ج ۸، ص ۳۲۱.

۵. مجمع البیان، ج ۸، ص ۳۲۵-۳۲۶؛ بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۱۲۶.

۶. مجمع البیان، ج ۸، ص ۳۳۷.

۷. المیزان، ج ۶، ص ۲۷۳.

۸. تفسیر ابن کثیر، ج ۴، ص ۱۷.

۹. جامع البیان، ج ۲۳، ص ۹۳؛ التبیان، ج ۸، ص ۵۱۷.

۱. بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۱۳۰.

۲. الکشاف، ج ۳، ص ۳۵۰؛ التفسیر الکبیر، ج ۲۶، ص ۱۵۴.

۳. الکشاف، ج ۳، ص ۳۵۰؛ التفسیر الکبیر، ج ۲۶، ص ۱۵۴.

این مأموریت و بهره‌مند شدنش از لذت رضا، ستایش در دنیا، و پاداش در آخرت^۲ دانسته‌اند. همچنین پاسخ رضایت‌آمیز حضرت اسماعیل علیه السلام را نشانگر ادب و فروتنی وی و آرامشگر قلب پدر گفته‌اند. او اجرای فرمان الهی را از پدر خواست و وعده داد که از بی‌تابی یا هر کاری که به آسفتگی پدر در هنگام دیدن فرزند غرقه به خونش بیفزاید، خودداری ورزد.^۳ افزون بر آن چه که قرآن حکایت می‌کند، مفسران سخنانی دیگر نیز به اسماعیل علیه السلام نسبت داده‌اند که از تلاش وی برای کاستن از درد و رنج پدر و مادر حکایت می‌کند. بسته شدن با طناب برای پیشگیری از دست و پا زدن، نگاه نکردن به چهره اسماعیل علیه السلام هنگام ذبح، کشیدن محکم و شتابان کارد برای زودتر خلاص شدن، کندن لباس‌های وی برای پیشگیری از خون‌آلود شدن آن و نابدباری مادر با دیدن آن، رساندن سلام و لباس وی به مادرش و ستایش ابراهیم علیه السلام از سخنان اسماعیل علیه السلام در زمره این تلاش‌ها بند.^۴ همچنین گفته‌اند: هنگامی که حضرت ابراهیم علیه السلام نهایت فرمان‌پذیری اسماعیل علیه السلام را دید، او را در آغوش گرفت و

صورتش را بوسید و هر دو گریستند.^۵ بر پایه برخی گزارش‌ها، شیطان در این میان بسیار کوشید تا با وسوسه اسماعیل، ابراهیم و هاجر را از انجام فرمان الهی بازدارد. اما با پایداری آنان، در کار خود توفیق نیافت. حضرت ابراهیم علیه السلام برای راندن شیطان، هفت بار به سوی او سنگ پرتاب کرد.^۶

بر پایه آیات قرآن، هنگامی که هر دو کاملاً در برابر فرمان الهی تسلیم شدند و ابراهیم علیه السلام فرزند خویش را بر خاک افکند، ندای الهی برخاست: ای ابراهیم! تو رؤیای خویش را حقیقت بخشیدی و فرمان الهی را امتثال کردی: ﴿فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ * وَنَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ * قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ﴾ (صافات/۳۷، ۱۰۳-۱۰۵) با این آیه، پایان مأموریت ابراهیم علیه السلام اعلام شد و آمادگی او برای اجرای آن، به منزله امتثال امر الهی تلقی گشت.^۷ به گفته برخی مفسران، جواب «لَمَّا» با هدف نشان دادن شدت مصیبت و دلخراش بودن ماجرای ذبح، حذف شده است.^۸ از ابن عباس گزارش شده که با توجه به واژه «جبین» گفته است: ابراهیم علیه السلام هنگام ذبح، فرزندش را به گونه‌ای روی زمین

۱. نمونه، ج ۱۹، ص ۱۲۱.

۲. التفسیر الکبیر، ج ۲۶، ص ۱۵۷.

۳. المیزان، ج ۶، ص ۲۷۳-۲۷۴؛ ج ۱۷، ص ۱۵۲.

۴. جامع البیان، ج ۲۳، ص ۹۴؛ الکشاف، ج ۳، ص ۳۵۰؛ مجمع

البیان، ج ۸، ص ۳۲۶.

۵. الکشاف، ج ۳، ص ۳۵۰.

۶. الکشاف، ج ۳، ص ۳۴۹؛ روض الجنان، ج ۱۶، ص ۲۱۹؛ الدر

المنثور، ج ۵، ص ۲۸۴.

۷. المیزان، ج ۱۷، ص ۱۵۲-۱۵۳.

۸. المیزان، ج ۱۷، ص ۱۵۲.

ابراهیم علیه السلام آن را به جای اسماعیل علیه السلام ذبح نمود.^۵ به گزارش تورات آن گاه که ابراهیم علیه السلام با ندای فرشته از قربانی کردن فرزندش دست کشید، قوچی را دید که شاخ هایش به بوته‌ای گیر کرده است. آن را گرفت و به جای پسرش قربانی کرد.^۶ مفسران در معنای «عظیم»، آن را به معنای بزرگ بودن جثه گوسفند^۷ آمدن آن به دست جبرئیل از جانب خداوند و عظمت شأن آن^۸، قبول شدن^۹، سنت شدن قربانی و تکرار هزاران باره آن در هر سال^{۱۰} تفسیر کرده‌اند. برخی به پشتوانه روایتی منسوب به امام رضا علیه السلام ذبح عظیم را به امام حسین علیه السلام تأویل کرده‌اند. بر پایه این روایت، هنگامی که حضرت ابراهیم علیه السلام فرمان یافت تا گوسفند را به جای اسماعیل علیه السلام قربانی کند، آرزو کرد که کاش این جایگزینی انجام نمی‌گرفت و او با ذبح عزیزترین فرزند خود و صبر کردن بر آن، سزاوار برترین پاداش و قرب الهی می‌شد. آن گاه ابراهیم علیه السلام در پاسخ به پرسش خداوند، پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله را

۵. التبیان، ج ۸، ص ۵۱۹؛ مجمع البیان، ج ۸، ص ۲۲۴؛ المیزان، ج ۱۷، ص ۱۵۳.

۶. کتاب مقدس، پیدایش، ۲۲: ۱۲-۱۳.

۷. التبیان، ج ۸، ص ۵۱۹؛ مجمع البیان، ج ۸، ص ۲۲۴.

۸. تفسیر مجاهد، ج ۲، ص ۵۴۵؛ التبیان، ج ۸، ص ۵۱۹؛ مجمع البیان، ج ۸، ص ۲۲۴.

۹. جامع البیان، ج ۲۳، ص ۱۰۵؛ مجمع البیان، ج ۸، ص ۲۲۴؛ المیزان، ج ۱۷، ص ۱۵۳.

۱۰. جامع البیان، ج ۲۳، ص ۱۰۵؛ نمونه، ج ۱۴، ص ۳۷۰.

خواباند که پیشانی او روی زمین قرار گیرد تا مبادا با دیدن چهره او، عواطف پدری وی تحریک و مانع کار شود. برخی گفته‌اند: این کار، خواسته خود اسماعیل علیه السلام بود.^۱

قرآن کریم درباره بریدن گلوی اسماعیل علیه السلام سخنی نگفته و فقط تا مرحله بر خاک نشاندن وی را گزارش کرده است. مفسران گفته‌اند: به رغم این که ابراهیم علیه السلام چند بار کارد را برحلق فرزندش کشید، نتوانست آن را ببرد و دچار حیرت شد.^۲ برخی جبرئیل را مانع بریده شدن دانسته‌اند.^۳ بر پایه پاره‌ای گزارش‌ها، در دوران ذبح، جبرئیل دو بار الله اکبر، ذبیح، لا إله إلا الله و الله اکبر و سپس حضرت ابراهیم علیه السلام الله اکبر و الحمد لله گفت. این ذکرها به عنوان سنت باقی ماند و همانند تکبیرهای مستحی است که روز عید قربان گفته می‌شود.^۴

۳. ذبح عظیم به جای اسماعیل علیه السلام:

قرآن کریم در ادامه از ذبحی عظیم یاد می‌کند که به منزله فدیه اسماعیل علیه السلام از جانب خداوند فرستاده شد: ﴿وَقَدَّيْنَاهُ بِذَبِيحٍ عَظِيمٍ﴾ (صافات/۳۷، ۱۰۷) قریب به اتفاق مفسران، ذبح عظیم را به گوسفند تفسیر کرده‌اند که

۱. مجمع البیان، ج ۸، ص ۲۲۲؛ بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۱۲۲.

۲. نمونه، ج ۱۹، ص ۱۱۴.

۳. الکشاف، ج ۳، ص ۳۵۰.

۴. الکشاف، ج ۳، ص ۳۴۹؛ تفسیر قرطبی، ج ۱۵، ص ۱۰۲؛ نمونه، ج ۱۹، ص ۱۱۶.

محبوب‌ترین فرد نزد خود خواند و فرزند او امام حسین علیه السلام را عزیزتر از اسماعیل علیه السلام و کشته شدن وی را جان‌گدازتر از ذبح اسماعیل علیه السلام دانست. آن‌گاه که خداوند از شهادت امام حسین علیه السلام خبر داد، ابراهیم علیه السلام سخت اندوهگین شد و به سختی گریست و به سبب این گریه و اندوه سخت، خداوند پاداش ذبح اسماعیل علیه السلام و صبر بر آن را که آرزوی ابراهیم علیه السلام بود، به وی عطا نمود.^۱ برخی گفته‌اند: فدیة باید کم‌بهاتر از چیزی باشد که به جای آن فدا می‌شود؛ اما امامان معصوم علیهم السلام از پیامبران، جز پیامبر اسلام، برترند؛ پس چگونه امام حسین علیه السلام فدیة اسماعیل علیه السلام شده است؟ پاسخ داده‌اند: اگر اسماعیل علیه السلام قربانی می‌شد، نه فقط امام حسین علیه السلام بلکه امامان دیگر و حتی خود پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله که از نسل اسماعیل علیه السلام هستند، زاده نمی‌شدند. پس امام حسین علیه السلام فدیة همه آنان شده است. اما همان‌گونه که علامه مجلسی گفته، فدیة بودن شهادت امام حسین علیه السلام برای اسماعیل علیه السلام در روایت نیامده؛ بلکه معنای روایت این است که خداوند در برابر سوز و گداز ابراهیم علیه السلام برای امام حسین علیه السلام، پاداش ذبح کردن اسماعیل علیه السلام و صبوری بر آن را به وی عطا نمود.^۲

۱. الخصال، ص ۵۹؛ عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۸۷؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۲۵-۲۲۷.
 ۲. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۲۶-۲۲۷.

قرآن کریم در ادامه از ندای الهی برای پیشگیری از ذبح اسماعیل علیه السلام سخن می‌گوید و می‌افزاید: ما نیکوکاران را این‌گونه پاداش می‌دهیم: ﴿كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ﴾ (صافات/۳۷، ۱۰۵) برخی از مفسران این پاداش را رهایی اسماعیل علیه السلام از قربانی شدن دانسته و گفته‌اند: خداوند به سبب نیکوکار بودن ابراهیم علیه السلام خشنود نشد چنین رخداد دردناکی روی دهد.^۳ بر پایه روایتی از امام رضا علیه السلام چون بنا بود پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله از نسل حضرت اسماعیل علیه السلام زاده شود و نیز برای آن که قربانی کردن فرزند سنت نشود، خداوند او را از ذبح شدن رها کرد. تا روز قیامت هر کس در منا قربانی کند، فدیة حضرت اسماعیل علیه السلام خواهد بود.^۴ بر پایه برخی روایات، قربانی کردن اسماعیل علیه السلام در روز دهم ذی‌حجه و در سرزمین منا، نزدیک جمره و سطا روی داده است.^۵ وی در آن هنگام جامه‌ای سفید بر تن داشت و سپیدی لباس احرام در موسم حج، نمادی از آن است.^۶

۴. راز قربانی شدن اسماعیل علیه السلام: راز

۳. جامع البیان، ج ۲۳، ص ۹۶؛ الکشاف، ج ۳، ص ۳۴۸؛ مجمع البیان، ج ۸، ص ۳۲۲.
 ۴. الخصال، ص ۵۶؛ عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۸۹.
 ۵. تاریخ طبری، ج ۱، ص ۱۶۶؛ الکافی، ج ۴، ص ۲۰۹؛ بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۱۳۱.
 ۶. مسند احمد، ج ۱، ص ۲۹۷؛ تاریخ طبری، ج ۱، ص ۲۷۶؛ جامع البیان، ج ۲۳، ص ۹۵.

در برابر خداوند را به نمایش نهاد. حضرت ابراهیم علیه السلام آزمون‌های دشواری چون افکنده شدن در آتش، دل کندن از خانه و کاشانه و قوم و خویشان و مهاجرت به سرزمین غربت را با موفقیت پشت سر نهاده بود. (مریم/۱۹، ۴۸-۴۶؛ انبیاء/۲۱، ۷۱؛ عنکبوت/۲۹، ۲۴-۲۶؛ صافات/۳۷، ۹۷-۹۹) اما همه آن‌ها در مقایسه با ذبح اسماعیل علیه السلام، به ویژه با عنایت به وضع خاص آن دو پیامبر الهی، بسیار آسان‌تر بود. از جمله ویژگی‌هایی که «بلای مبین» بودن این ذبح و رمز و راز آن را بیشتر روشن می‌کند، این موارد است:

أ. ابراهیم علیه السلام در دوران کهنسالی هنوز فرزندى نداشت. (ابراهیم/۱۴، ۳۹) او به اقتضای خصلت بشری، آرزوی پدر شدن داشت و عمری را در این اشتیاق به سر برده بود.^۵ او در پی رهایی از آتش نمرودیان، خانه و خویشان بت پرست خود را رها کرد و از خداوند خواست فرزندانی صالحی به وی عطا فرماید. (صافات/۳۷، ۱۰۷) خداوند به او بشارت پسری بردبار را داد و اسماعیل علیه السلام در زمان کهنسالی ابراهیم علیه السلام زاده شد.^۶ (ابراهیم/۱۴، ۳۹) چنین ویژگی‌هایی دل بستگی پدر و مادر به فرزند را دو چندان می‌کند.^۷

فرمان خداوند به ابراهیم علیه السلام برای قربانی کردن اسماعیل علیه السلام موضوعی است که تاریخ‌نگاران و مفسران به آن توجه کرده‌اند. از دیدگاه برخی، حضرت ابراهیم علیه السلام پس از دریافت بشارت الهی در فرزنددار شدن، نذر کرد تا او را برای خداوند قربانی کند. هنگامی که اسماعیل علیه السلام به ۱۳ سالگی رسید، خداوند از طریق رؤیا به ابراهیم علیه السلام فرمان داد تا به نذر خود وفا کند.^۱ برخی دل بستگی فراوان ابراهیم به اسماعیل علیه السلام را زمینه چنین آزمون بزرگی دانسته‌اند. خداوند بدین وسیله راه رسیدن ابراهیم علیه السلام به مقام خُلت را هموار کرد.^۲ تزکیه هر چه بیشتر نفس ابراهیم و اسماعیل علیه السلام برای آماده ساختن آنان برای امامت و رهبری امت، حکمتی دیگر است که برخی برشمرده‌اند.^۳

قرآن کریم ذبح فرزند را «بلای مبین» می‌خواند که بیانگر سختی، بزرگی و یکتا بودن این آزمون الهی است.^۴ «إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ» (صافات/۳۷، ۱۰۶) بررسی آیات مربوط نشان می‌دهد که ذبح اسماعیل علیه السلام دشوارترین و واپسین آزمون الهی ابراهیم علیه السلام بود که کامل‌ترین نمونه یگانه پرستی و تسلیم

۱. البدء و التاريخ، ج ۴، ص ۶۴ تاریخ طبری، ج ۱، ص ۲۷۶؛ مجمع البیان، ج ۸، ص ۳۲۴.

۲. مجمع البیان، ج ۸، ص ۷۰۶.

۳. الصحيح من سيرة النبي، ج ۲، ص ۵۱.

۴. جامع البیان، ج ۲۳، ص ۹۵؛ الکشاف، ج ۳، ص ۳۴۸؛ المیزان، ج ۷، ص ۲۴۵.

۵. نمونه، ج ۱۹، ص ۱۱۱، ۱۱۵.

۶. الکشاف، ج ۲، ص ۳۸۱؛ مجمع البیان، ج ۶، ص ۸۶.

۷. الصحيح من سيرة النبي، ج ۲، ص ۴۹.

رویداد در مقایسه با مرگی از نوع مرگ اسماعیل علیه السلام دل پدر و مادر را کمتر به درد می آورد. اما ابراهیم علیه السلام مأمور شده بود تا خودش دست و پای اسماعیل علیه السلام را بسته، با دست و خنجر خویش گلوی او را ببرد^۴ و نظاره گر آن باشد. (صافآت/۳۷، ۱۰۲-۱۰۳)

و. آگاهی هر کس از زمان و چگونگی مرگ خودش یا یکی از عزیزانش می تواند آسایش وی را سلب کند و درد و رنجی جانکاه را پدید آورد. آگاهی پیشین ابراهیم و اسماعیل علیه السلام از زمان و چگونگی ماجرای ذبح و بردباری در برابر آن، به سنگینی کار آن دو می افزاید. (صافآت/۳۷، ۱۰۲)

ز. حضرت ابراهیم علیه السلام از همه چیز خود در راه خدا گذشته بود. این از خود گذشتگی، انسان های عادی را متوقع قدردانی می کند. اگر پس از این همه ایثار، از چنین کسی بخواهند که با دست خود فرزندش را در راه خدا قربانی کند، چه بسا مایه اعتراض و حتی رویگردانی وی از خدا شود. اما ابراهیم و اسماعیل علیه السلام بدون چون و چرا و با خشنودی کامل، در برابر این خواسته خداوند سر تسلیم فرود آوردند. (صافآت/۳۷، ۱۰۲-۱۰۳)^۵

سربلندی ابراهیم علیه السلام در آزمون بزرگ ذبح اسماعیل علیه السلام سبب شد تا نام نیک وی در

ب. سکونت هاجر و اسماعیل در سرزمین مکه، فرسنگ ها دور از ابراهیم علیه السلام (بقره/۲، ۱۲۵؛ ابراهیم/۱۴، ۳۷)، جدایی ایشان و اسماعیل را برای سال های پایی رقم زد. به گزارش منابع اسلامی، حضرت ابراهیم علیه السلام در این مدت گهگاه به دیدار اسماعیل و هاجر می رفت.^۱

ج. حضرت اسماعیل علیه السلام از پیامبران الهی و دارای شخصیتی برجسته بود؛ به گونه ای که خداوند با یادآوری ویژگی های مهم اخلاقی وی، او را ستایش کرده است. (← همین مقاله، نبوت حضرت اسماعیل) این ویژگی ها بر محبت پدر و مادر به او افزود و دل کنندن از وی را دشوارتر کرد.^۲

د. قربانی شدن اسماعیل علیه السلام در دوران جوانی رخ می دهد و دل کنندن از فرزند در چنین سن و سالی، در مقایسه با دوران کودکی یا میانسالی و پیری، بسیار دردناک تر و جان گذازتر است.^۳

ه. نوع مرگی که در انتظار اسماعیل علیه السلام بود، نهایت دل سپردگی ابراهیم و اسماعیل علیه السلام به خداوند را نشان می داد. مرگ طبیعی و کشته شدن فرزند به دست کسی یا بر اثر یک

۱. تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۲۶؛ عرائس المجالس، ص ۸۳؛ سبل الهدی، ج ۱، ص ۱۵۱.

۲. نک: نمونه، ج ۱۹، ص ۱۱۵؛ الصحيح من سيرة النبي، ج ۲، ص ۴۹.

۳. نک: الصحيح من سيرة النبي، ج ۲، ص ۴۹.

۴. نک: الصحيح من سيرة النبي، ج ۲، ص ۴۹.

۵. نک: الصحيح من سيرة النبي، ج ۲، ص ۴۹.

پوشانند. از این رو، مقداری پشم گوسفند را به قبایل پیرامون دادند تا برای کعبه پوششی مناسب بیافند. هر بخش از پرده را که آماده می‌شد، بر کعبه می‌آویختند تا آن‌گاه که موسم حج فرارسید. اما هنوز قسمتی از کعبه بدون پرده مانده بود. به پیشنهاد حضرت اسماعیل علیه السلام، قسمت باقی مانده را با برگ‌های نخل پوشاندند. حج‌گزاران از این کار شگفت‌زده و شادمان گشتند و بر آن شدند که به اسماعیل هدیه‌ای تقدیم کنند. هر یک از طوایف هدیه‌ای آورد و پس از جمع شدن هدایا، برگ‌های نخل را از دیواری که با پرده پوشیده نشده بود، برداشتند و بر باقی مانده کعبه نیز پرده آویختند. بر پایه همین گزارش، حضرت اسماعیل علیه السلام نخستین کسی بود که بر روی ستون‌های چوبین، با چوب و گل، کعبه را مسقف کرد. حاجیان که مسقف شدن کعبه را دیدند، تصمیم گرفتند تا اسماعیل علیه السلام را یاری کنند. آن‌ها از سال بعد همراه خود قربانی آوردند. حضرت اسماعیل علیه السلام با هدایت الهی، قربانی‌ها را ذبح کرده، به مصرف حاجیان می‌رساند.^۲ بر پایه روایتی دیگر، اسماعیل علیه السلام از کم بودن آب به حضرت ابراهیم علیه السلام شکایت کرد. حضرت ابراهیم علیه السلام با هدایت الهی و یاری جبرئیل، چاهی برای

تاریخ جاودانه گردد (صافات/۳۷، ۱۰۸) و او به حق شایسته عنوان «پدر ادیان توحیدی» خوانده شود. ذبح قربانی در مناسک حج و عید قربان، به مفهوم دست کشیدن از عزیزترین دل‌بستگی‌های دنیایی، سنتی است که از همین رویداد برگرفته شده است. خداوند قربانی کردن را عبادت و طاعت همگانی قرار داد و حاجیان هر سال برای تجدید خاطره آن آزمون بزرگ در منا قربانی می‌کنند تا یاد و نام کامل‌ترین نمونه و الگوی توحید و یگانه‌پرستی همواره زنده بماند و چراغ راه یگانه‌پرستان شود.^۱

◀ اسماعیل علیه السلام و تولیت کعبه:

گزارش‌ها نشان می‌دهند که حضرت اسماعیل علیه السلام تا پایان زندگی عهده‌دار اداره خانه خدا بود. بر پایه روایتی منسوب به امام صادق علیه السلام حضرت اسماعیل علیه السلام نخستین کسی بود که خانه کعبه را پرده‌پوش کرد. در آن هنگام، خانه‌ها به گونه‌ای ساخته می‌شد که هرگاه در باز می‌شد، درون خانه و ساکنانش از بیرون دیده می‌شدند. همسر اسماعیل علیه السلام که زنی نجیب بود، به او پیشنهاد کرد پرده‌ای بر در خانه بیاویزند. سپس تصمیم گرفتند خانه خدا را نیز که به سبب سنگ‌های نتراشیده و زیر منظره‌ای ناخوشایند داشت، با پرده

۲. الکافی، ج ۴، ص ۲۰۳-۲۰۵؛ علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۸۷-۵۸۸؛ وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۲۱۰-۲۱۲.

۱. نک: المیزان، ج ۷، ص ۲۴۵؛ الصحيح من سیرة النبی، ج ۲، ص ۵۱.

حاجیان کند.^۱

◀ **نبوت حضرت اسماعیل** علیه السلام: نام حضرت اسماعیل علیه السلام ۱۲ بار در قرآن آمده است. (برای نمونه: آیات ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۴۰، ۱۳۶، ۱۳۳ بقره/۲؛ ۸۴ آل عمران/۳ و ۱۶۳ نساء/۴) قرآن کریم او را یکی از پیامبران الهی خوانده و با یادکرد نام وی در کنار شماری از پیامبران خدا، از نزول وحی بر او سخن گفته است: ﴿... وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ...﴾ (نساء/۴، ۱۶۳) او در آیه ۵۴ مریم/۱۹ با صراحتی بیشتر رسول و نبی خوانده شده است: ﴿وَأذْكُر فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَّبِيًّا﴾ بیشتر مفسران چون طبری، طوسی، طبرسی، فخر رازی و سیوطی^۲ اسماعیل یاد شده در این آیه را همان فرزند ابراهیم علیه السلام دانسته‌اند و برخی از مفسران شیعه به پشتوانه یک روایت، او را فرزند حزقیل از پیامبران بنی اسرائیل معرفی کرده‌اند.^۳ (ع ادامه همین بخش از مقاله) دیدگاه دوم با ظاهر آیه سازگار نیست؛ زیرا آیه نشان می‌دهد که مخاطب با اسماعیل علیه السلام آشنا است. این در حالی است که قرآن کریم به جز پسر ابراهیم علیه السلام از اسماعیل علیه السلام دیگری یاد نکرده است.

برخی روایت‌ها حضرت اسماعیل علیه السلام را در کنار هود، صالح، شعیب علیهم السلام و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله یکی از پنج پیامبر عرب خوانده‌اند.^۴ بر پایه برخی روایت‌های دیگر، حضرت ابراهیم علیه السلام، اسماعیل علیه السلام را به فرمان خداوند به جانشینی خود برگزید و نور و حکمت الهی و میراث پیامبران را به وی سپرد.^۵ رسالت او در مسیر دعوت توحیدی حضرت ابراهیم علیه السلام بود.^۶ به گزارش برخی از منابع تاریخی و تفسیری، حضرت اسماعیل علیه السلام ۵۰ سال در میان قبیله‌های عمالیقی، جرهم و یمن به وظیفه نبوت پرداخت و با نهدی مردم از بت پرستی، آنان را به پرستش خدای یگانه، برپا داشتن نماز و پرداختن زکات دعوت کرد. اما جز گروهی اندک به وی ایمان نیاوردند.^۷

در برابر دیدگاه رایج که اسماعیل علیه السلام را پیامبر خدا می‌داند، در برخی حدیث‌ها، پیامبری او انکار شده است. بر پایه این روایت‌ها، دو پیامبر در یک هنگام صاحب رسالت نیستند و با توجه به نبوت و صاحب شریعت بودن حضرت ابراهیم علیه السلام، اسماعیل علیه السلام دارای رسالت و نبوت نبوده است. بر پایه این دیدگاه که بر خلاف قرآن و نظر مشهور

۴. المعارف، ص ۵۶: الاختصاص، ص ۲۶۴-۲۶۵.

۵. اثبات الوصیه، ص ۳۵: بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۱۴۸.

۶. السیره النبویه، ابن هشام، ج ۱، ص ۵۱: اخبار مکه، ج ۱، ص ۱۱۶.

۷. اخبار الزمان، ص ۱۰۳: التبیان، ج ۷، ص ۱۳۳: الكامل، ج ۱، ص ۲۲۱.

۱. الکافی، ج ۴، ص ۲۰۵.

۲. جامع البیان، ج ۱۶، ص ۱۲۰: التبیان، ج ۷، ص ۱۳۳: مجمع

البیان، ج ۶، ص ۴۲۹.

۳. احسن الحدیث، ج ۶، ص ۳۳۵.

وی، اسحاق و سپس یعقوب علیهم السلام و پسران او خوانده شده‌اند^۳ و از اسماعیل علیه السلام و فرزندان وی تصویری تیره و تار ترسیم شده است.^۴ عهد عتیق از وعده خداوند به ابراهیم علیه السلام و هاجر علیهم السلام برای پیدایش قومی بزرگ از نوادگان اسماعیل علیه السلام و پدید آمدن ۱۲ حکمران و سرور از میان فرزندان وی سخن گفته و نام پسران دوازده گانه وی از جمله قیدار و نیز پیدایش ۱۲ قبیله از آنان را گزارش کرده است.^۵ اما منابع اسلامی با پرداختن جزئی‌تر، پیدایش چشمه زمزم، گرد آمدن برخی قبایل عربی در پیرامون آن، پیوند اسماعیل علیه السلام با آن‌ها، آبادی سرزمین مکه، و پیدایش طبقه جدیدی از عرب‌ها از نسل اسماعیل علیه السلام را به یکدیگر پیوند داده‌اند. (همین مقاله، نقش اسماعیل در پیدایش و آبادی مکه)

به گزارش کتاب مقدس، هاجر علیه السلام دختری از مصریان را برای اسماعیل علیه السلام به همسری گرفت.^۶ اما به گزارش منابع اسلامی، اسماعیل گویا در ۲۰ سالگی مادر خود را از دست داد^۷ و او را در مکانی به خاک سپرد که بعدها به

۳. کتاب مقدس، تکوین، ۲۶: ۳-۴، ۲۷: ۲۳-۲۹، ۳۶: ۴۰-۴۵: ۱۱-۱۲.

۴. کتاب مقدس، تکوین، ۱۶: ۱۲؛ ۱۷: ۲۰.

۵. کتاب مقدس، پیدایش، ۲۵: ۱۲-۱۷؛ اول تواریخ، ۱: ۲۸-۳۱.

۶. کتاب مقدس، پیدایش، ۲۱: ۲۰-۲۲.

۷. الطبقات، ج ۱، ص ۵۲.

است، حضرت اسماعیل علیه السلام در دوران زندگی پدرش درگذشت. در این روایت، اسماعیل صادق الوعد فرزند حزقیل نبی علیه السلام پیامبری خوانده شده که قومش او را پس از تکذیب، به قتل رسانده، پوست صورتش را کردند و خداوند به سبب این کار آنان را به کیفر رساند.^۱

افزون بر نبوت، حلم (صافات/۳۷، ۱۰۱)،^۲ شکیبایی (انبیاء/۲۱، ۸۵)، وفا به وعده (مریم/۱۹، ۵۴)، و خضوع و خشوع در برابر آیات الهی (مریم/۱۹، ۵۸-۵۴) از ویژگی‌های اسماعیل علیه السلام شمرده شده است. قرآن کریم همچنین وی را صالح، پسندیده خداوند و برخوردار از نعمت، هدایت و رحمت ویژه الهی (انعام/۶، ۸۶-۹۰؛ مریم/۱۹، ۵۴-۵۸؛ انبیاء/۲۱، ۸۶-۸۵) و در شمار نیکان (ص/۳۸، ۴۸) برشمرده و از برتری وی در میان جهانیان سخن گفته است. (انعام/۶، ۸۶) او خاندان خود را به گزاردن نماز و پرداختن زکات فرمان می‌داد. (مریم/۱۹، ۵۵)

◀ نقش اسماعیل علیه السلام در توسعه قبایل

عربی: در گزارش تورات، بر خلاف خواست قلبی ابراهیم علیه السلام، کانون تحقق همه وعده‌های خدا برای جانشینی، وراثت و گسترش نسل

۱. مختصر بصائر الدرجات، ص ۱۷۷؛ الامالی، مفید، ص ۳۹-۴۰؛

بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۳۸۹-۳۹۱.

۲. روح المعانی، ج ۱۲، ص ۱۲۲.

حجر اسماعیل علیه السلام مشهور شد.^۱ بر پایه روایتی از امام صادق علیه السلام، او پس از خاکسپاری مادر، قبر او را سنگچین کرد تا لگدمال نشود.^۲ (← حجر اسماعیل) وی پس از چندی با دختری از قبیله جُرهم ازدواج کرد.^۳ پس از مدتی در پی آگاهی از برخورد غیر محترمانه وی با حضرت ابراهیم علیه السلام او را طلاق داد. بر پایه پاره‌ای گزارش‌ها، حضرت ابراهیم علیه السلام گهگاه برای دیدن فرزندش اسماعیل علیه السلام از شام روانه حجاز می‌شد. در یکی از این سفرها، هنگامی که به خانه اسماعیل علیه السلام رسید، وی در خانه نبود و همسر اسماعیل علیه السلام با او محترمانه رفتار نکرد.^۴ ابراهیم علیه السلام از طریق همسر اسماعیل علیه السلام به وی پیام داد که آستانه در خانه خود را تغییر دهد. در پی این پیام، اسماعیل علیه السلام همسرش را طلاق داد و با دختری دیگر از جرهمیان پیمان زناشویی بست که با نام‌های سیده، رعله و حیفا از او یاد شده است. ابراهیم علیه السلام بار دیگر که به دیدار اسماعیل علیه السلام آمد، باز هم وی در خانه نبود. همسرش با احترام از وی پذیرایی کرد و ابراهیم علیه السلام از طریق او به اسماعیل علیه السلام پیغام داد که آستانه در خانه‌اش را تغییر ندهد. بدین وسیله، او را به

ادامه زندگی با این همسر سفارش کرد.^۵ تبدیل شدن اسماعیل علیه السلام به یک عرب مهاجر و نقش وی در پیدایش قبایل عربی، مورد تأکید منابع اسلامی است. به گزارش این منابع، او با قبیله جُرهم همراه شد و رفته رفته مهارت در تیراندازی^۶، شکار کردن^۷ و زبان عربی را فرا گرفت^۸ و به یک «مهاجر عرب شده» تبدیل گشت. حتی گفته‌اند: او هنگام ساخت کعبه، به زبان عربی با پدرش سخن گفت.^۹ به گونه‌ای اغراق‌آمیز گزارش کرده‌اند که او نخستین کسی است که به زبان عربی سخن گفت^{۱۰} و کتابت کرد.^{۱۱} نیز گفته‌اند: زبان عربی در کودکی به وی الهام شد.^{۱۲} اما بر پایه باور مشهور تاریخ‌نگاران مسلمان، پیش از حضرت اسماعیل علیه السلام و قبایل عربی پدید آمده از نسل وی، قبایل عرب دیگر در شبه جزیره عرب می‌زیسته‌اند. (← ادامه همین بخش) به گزارشی دیگر، وی به زبان پدرش یعنی عبری

۵. تفسیر بغوی، ج ۱، ص ۱۱۳؛ تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۲۶-۲۷؛ عرائس المجالس، ص ۸۳.

۶. تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۲۲۱.

۷. فتح الباری، ج ۶ ص ۲۸۷؛ السیره الطلیبه، ج ۱، ص ۳۳.

۸. صحیح البخاری، ج ۴، ص ۱۱۵؛ الکامل، ج ۱، ص ۱۰۴.

۹. مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۸۸؛ التبیان، ج ۱، ص ۴۶۳؛ الصافی، ج ۱، ص ۱۹۰.

۱۰. تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۲۲۱؛ مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۸۸؛

التبیان، ج ۱، ص ۴۶۳؛ التنبیه و الاشراف، ص ۷۰.

۱۱. العقد الفرید، ج ۴، ص ۲۳۹.

۱۲. الطبقات، ج ۱، ص ۵۱.

۱. الکامل، ج ۱، ص ۱۲۵؛ تاریخ الاسلام، ج ۱، ص ۲۰.

۲. الکافی، ج ۴، ص ۲۱۰.

۳. تاریخ بلعمی، ص ۱۸۰.

۴. الطبقات، ج ۱، ص ۵۱-۵۲؛ السیره النبویه، ابن کثیر، ج ۱، ص ۵۶؛

تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۲۶.

جد بیستم پیامبر و نیای بخشی گسترده از قبایل عربی را به وی بازگردانده‌اند.^۸ عرب‌های عدنانی در تهامه، نجد و حجاز تا مشارف الشام و عراق مسکن داشته‌اند و آنان را عرب‌نزاری، عرب مُضَری، عرب اسماعیلی، عرب متعربّه و مستعربه، بنی اسماعیل و بنی قیدار می‌گویند و نسبشان به اسماعیل علیه السلام می‌رسد.^۹ (عرب) قبایل عربی پدید آمده از نسل حضرت اسماعیل علیه السلام (مُستعربه) در مقایسه با عرب‌های «عربیه» که جُرْهُم و عمالقه نیز از آنان بودند، پیشینه‌ای کمتر در حجاز داشتند.^{۱۰} قدیمی‌تر از همه آن‌ها، عرب‌های «بائده» مانند قوم عاد و ثمود بودند که با عذاب الهی از میان رفتند.^{۱۱} البته برخی از نسب شناسان نخستین، همه قبایل عرب را از فرزندان اسماعیل دانسته و ایشان را پدر عرب خوانده‌اند.^{۱۲} این موضوع که در برخی روایت‌ها به پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله نیز نسبت یافته^{۱۳}، نمی‌تواند صحت داشته باشد.^{۱۴} قبیله

۸. السیرة النبویه، ابن کثیر، ج ۱، ص ۳-۴؛ البدء و التاریخ، ج ۴، ص ۱۰۷.

۹. نک: کتاب مقدس، پیدایش، ۲۵: ۱۸؛ جمهرة انساب العرب، ص ۷-۱۲.

۱۰. جمهرة انساب العرب، ص ۷؛ البداية و النهایه، ص ۱۲۲؛ اخبار الزمان، ص ۱۰۲.

۱۱. جمهرة انساب العرب، ص ۹.

۱۲. اثبات الوصیه، ص ۳۴؛ البدء و التاریخ، ج ۴، ص ۱۰۵؛ قصص الانبیاء، ابن کثیر، ج ۱، ص ۱۲۱.

۱۳. الطبقات، ج ۱، ص ۵۱؛ الدر المنثور، ج ۴، ص ۲۷۳.

۱۴. جمهرة انساب العرب، ص ۷.

و فرزندانش به زبان عربی سخن می‌گفتند.^۱ (← زبان عربی)

در منابع اسلامی، افزون بر دختران مدفون در حجر اسماعیل علیه السلام^۲، برای او ۱۲ پسر نیز یاد شده است^۳ که از دومین همسر جرهمی وی زاده شدند. ادبیل، مدین و قیدار پر آوازه‌ترین آن‌ها بودند.^۴ نسل وی از طریق آن‌ها در شبه جزیره عرب و مناطق پیرامون گسترش یافت. برخی از فرزندان اسماعیل در مکه ماندگار شدند و برخی به مناطق دیگر کوچ کردند.^۵ مدین به سرزمینی که بعدها به نام خود وی شناخته شد، کوچ کرد و حضرت شعیب علیه السلام از میان فرزندان وی به نبوت برگزیده شد.^۶ اسماعیلیان مدین با سرزمین‌های همسایه، روابط بازرگانی داشتند. کاروانی که حضرت یوسف علیه السلام را از چاه بیرون آورد و همراه خویش به مصر برد، از آنان بودند.^۷ با توجه به همین نقش حضرت اسماعیل علیه السلام در گسترش قبایل عربی، مشهور نسب‌شناسان، او را یکی از نیاکان اصلی عرب‌ها دانسته و نسب عدنان،

۱. الطبقات، ج ۱، ص ۵۱.

۲. الکافی، ج ۴، ص ۲۱۰.

۳. اخبار الزمان، ص ۱۰۴.

۴. الاخبار الطوال، ص ۹؛ عرائس المجالس، ص ۱۰۰؛ السیرة النبویه، ابن کثیر، ج ۱، ص ۵۶.

۵. تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۲۲۲؛ تاریخ طبری، ج ۱، ص ۳۱۴.

۶. تفسیر مقاتل، ج ۲، ص ۱۲۸؛ جامع البیان، ج ۱۸، ص ۴۰؛ مجمع البیان، ج ۵، ص ۳۲۰.

۷. تفسیر مقاتل، ج ۲، ص ۱۴۲؛ زاد المسیر، ج ۴، ص ۱۴۹.

قریش و نیاکان پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله را نیز از طریق عدنان به قیدار فرزند حضرت اسماعیل علیه السلام می‌رسانند.^۱

پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله به منزله فرد برگزیده از میان نوادگان اسماعیل علیه السلام معرفی شده است.^۲ افزون بر کتاب‌های مستقل درباره نسب فرزندان اسماعیل علیه السلام،^۳ برخی نویسندگان در کتب خویش ضمن پرداختن به نسب‌های عرب، بخشی را نیز به فرزندان و نوادگان او اختصاص داده‌اند.^۴

◀ نقش نوادگان اسماعیل علیه السلام در

تاریخ کعبه: حضرت اسماعیل علیه السلام تا پایان زندگی، تولیت خانه خدا، عمران و آبادانی آن، و اداره مناسک حج را بر عهده داشت. سالیان عمر او را صد و بیست^۵، صد و سی^۶، صد و سی و هفت^۷ و صد و شصت و هفت^۸ سال گفته‌اند. بر پایه پاره‌ای از گزارش‌ها، اسماعیل علیه السلام پیش از مرگ وصیت کرد تا دخترش به نام «نسمه» با عیصو فرزند

اسحاق علیه السلام ازدواج کند^۹ و نیز برادرش اسحاق علیه السلام را وصی خود قرار داد.^{۱۰} برخی نیز وصی او را فرزندش قیدار دانسته‌اند.^{۱۱} بر پایه نظر مشهور، پیکر او در حجر اسماعیل، کنار خانه کعبه، زیر ناودان و در جوار مادرش هاجر علیه السلام به خاک سپرده شد.^{۱۲} برخی نیز مدفن او را کنار حجرالاسود دانسته‌اند.^{۱۳}

پس از وی پسرش نابت یا قیدار عهده‌دار تولیت خانه خدا و برگزاری مراسم حج شد. این مسئولیت در بسیاری از دوره‌های تاریخ، همواره بر عهده نوادگان اسماعیل علیه السلام بود^{۱۴} و آنان نسل به نسل عهده‌دار آن می‌شدند. اما در دوره عدنان بن ادد، دچار انحراف دینی و درگیری شدند. هنوز بسیاری از احکام دین حنیف ابراهیم علیه السلام از جمله آیین حج در میان آنان رواج داشت؛ ولی به پاره‌ای کارهای شرک آلود آمیخته بود.^{۱۵} در دوره‌ای از

۹. عرائس المجالس، ص ۱۰۰؛ السیرة النبویه، ابن کثیر، ج ۱، ص ۵۷.

۱۰. تاریخ طبری، ج ۱، ص ۳۱۴؛ مروج الذهب، ج ۱، ص ۵۸؛ المنتظم، ج ۱، ص ۳۰۵.

۱۱. الروضة فی فضائل امیرالمؤمنین، ص ۲۲۱؛ نک: مروج الذهب، ج ۱، ص ۵۸.

۱۲. السیرة النبویه، ابن هشام، ج ۱، ص ۵؛ تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۲۲۲؛ تاریخ طبری، ج ۱، ص ۳۱۴.

۱۳. مروج الذهب، ج ۱، ص ۷۵.

۱۴. تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۲۲۱-۲۲۳؛ الکامل، ج ۲، ص ۴۲؛ السیرة النبویه، ابن کثیر، ج ۱، ص ۵۷.

۱۵. الکافی، ج ۴، ص ۲۱.

۱. دلایل الامامه، ص ۱۶۲؛ المناقب، ج ۱، ص ۱۳۵؛ المعارف، ص ۶۳.

۲. اقبال الاعمال، ج ۲، ص ۳۴۰؛ بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۳۱۷.

۳. برای نمونه نک: الفهرست، ص ۱۱۳.

۴. المختصر فی اخبار البشر، ج ۱، ص ۴-۶۳.

۵. الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۹۶۴.

۶. السیرة النبویه، ابن هشام، ج ۱، ص ۵؛ تاریخ طبری، ج ۱، ص ۳۱۴.

۷. کتاب مقدس، پیدایش، ۲۵: ۱۷؛ مروج الذهب، ج ۱، ص ۷۵.

۸. اخبار الرمان، ص ۱۰۴.

به کوشش القیومی، قم، دفتر تبلیغات، ۱۴۱۸ق؛
 الامالی: الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، قم، دار الثقافة،
 ۱۴۱۴ق؛ الامالی: المفید (م. ۴۱۳ق.)، به کوشش
 غفاری و استاد ولی، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۸ق؛
 امتاع الاسماع: المقریزی (م. ۸۴۵ق.)، به کوشش
 محمد عبدالحمید، بیروت، دار الکتب العلمیه،
 ۱۴۲۰ق؛ بحار الانوار: المجلسی (م. ۱۱۱۰ق.)،
 بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق؛ البدء و
 التاريخ: المطهر المقدسی (م. ۳۵۵ق.)، بیروت،
 دار صادر، ۱۹۰۳م؛ البدايه و النهايه: ابن کثیر
 (م. ۷۷۴ق.)، به کوشش علی شیری، بیروت، دار
 احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق؛ تاریخ ابن خلدون:
 ابن خلدون (م. ۸۰۸ق.)، بیروت، دار احیاء التراث
 العربی، ۱۳۹۱ق؛ تاریخ الاسلام و وفیات
 المشاهیر: الذهبی (م. ۷۴۸ق.)، به کوشش عمر
 عبدالسلام، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۱۰ق؛
 تاریخ بلعمی: بلعمی (م. ۳۲۵ق.)، به کوشش بهار
 و گنابادی، تهران، زوار، ۱۳۷۹ش؛ تاریخ طبری
 (تاریخ الامم و الملوک): الطبری (م. ۳۱۰ق.)، به
 کوشش محمد ابوالفضل، بیروت، دار احیاء التراث
 العربی؛ تاریخ الیعقوبی: احمد بن یعقوب
 (م. ۲۹۲ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۵ق؛ التبیان:
 الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، به کوشش العاملی، بیروت،
 دار احیاء التراث العربی؛ تفسیر ابن کثیر (تفسیر
 القرآن العظیم): ابن کثیر (م. ۷۷۴ق.)، به کوشش
 مرعشی، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۹ق؛ تفسیر
 بغوی (معالم التنزیل): البغوی (م. ۱۰۵ق.)، به
 کوشش خالد عبدالرحمن، بیروت، دار المعرفه؛
 تفسیر بیضاوی (انوار التنزیل): البیضاوی
 (م. ۶۸۵ق.)، به کوشش عبدالقادر، بیروت، دار
 الفکر، ۱۴۱۶ق؛ تفسیر ثعلبی (الکشف و البیان):
 الثعلبی (م. ۴۲۷ق.)، به کوشش ابن عاشور،
 بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق؛ تفسیر
 قرطبی (الجامع لاحکام القرآن): القرطبی
 (م. ۶۷۱ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی،

جرهمیان و بعدها خُزاعه و صوفه بر مکه چیره
 شدند و درباری، کلیدداری و اجازه حج را در
 دست گرفتند. قُصی بن کلاب، چهارمین جد
 پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از نبرد سخت دیگر بار
 اداره مکه و خانه خدا را بر عهده گرفت و آن
 مناصب را میان فرزندان خویش قسمت کرد.^۱
 این منصب‌ها تا روزگار رسول خدا صلی الله علیه و آله
 همچنان در دست قبیله قریش که از نوادگان
 اسماعیل علیه السلام بودند، باقی ماند.^۲

◀ منابع

اثبات الوصیه: المسعودی (م. ۳۴۶ق.)، قم،
 الرضی؛ احسن الحدیث: سید علی اکبر قرشی،
 تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۶۶ق؛ احکام القرآن: ابن
 العربی (م. ۵۴۳ق.)، به کوشش محمد، لبنان، دار
 الفکر؛ احکام القرآن: الجصاص (م. ۳۷۰ق.)، به
 کوشش عبدالسلام، بیروت، دار الکتب العلمیه،
 ۱۴۱۵ق؛ اخبار الزمان: المسعودی (م. ۳۴۶ق.)، به
 کوشش گروهی از استادان، بیروت، دار الاندلس،
 ۱۳۸۶ق؛ الاخبار الطوال: ابن داود الدینوری
 (م. ۲۸۲ق.)، به کوشش عبدالمنعم، قم، الرضی،
 ۱۴۱۲ق؛ اخبار مکه: الازرقی (م. ۲۴۸ق.)، به
 کوشش رشدی الصالح، مکه، مکتبه الثقافه،
 ۱۴۱۵ق؛ الاختصاص: المفید (م. ۴۱۳ق.)، به
 کوشش غفاری و زرنندی، بیروت، دار المفید،
 ۱۴۱۴ق؛ الصافی: الفیض الکاشانی (م. ۱۰۹۱ق.)،
 بیروت، علمی، ۱۴۰۲ق؛ اضواء البیان: محمد
 امین الشنقیطی (م. ۱۳۹۳ق.)، بیروت، دار الفکر،
 ۱۴۱۵ق؛ اقبال الاعمال: ابن طاوس (م. ۶۶۴ق.)،

۱. تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۲۴۱.

۲. فتوح الشام، ج ۲، ص ۱۴۱.

محمد عبدالرحمن، بيروت، دار الفكر، ١٤٠٧ق؛
سبل الهدى: محمد بن يوسف الصالحى
 (م. ٩٤٢ق.)، به كوشش عادل احمد و على
 محمد، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٤ق؛
سيره ابن اسحاق (السير و المغازى): ابن اسحاق
 (م. ١٥١ق.)، به كوشش محمد حميدالله، معهد
 الدراسات و الابحاث؛ **السيرة الحلبية**: الحلى
 (م. ١٠٤٤ق.)، بيروت، دار المعرفة، ١٤٠٠ق؛
السيرة النبوية: ابن كثير (م. ٧٧٤ق.)، به كوشش
 مصطفى عبدالواحد، بيروت، دار المعرفة،
 ١٣٩٦ق؛ **السيرة النبوية**: ابن هشام
 (م. ٢١٨/٢١٣ق.)، به كوشش محمد محيى
 الدين، مصر، مكتبة محمد على صبيح، ١٣٨٣ق؛
صحيح البخارى: البخارى (م. ٢٥٦ق.)، بيروت، دار
 الفكر، ١٤٠١ق؛ **الصحيح من سيرة النبى ﷺ**
 جعفر مرتضى العاملى، بيروت، دار السيره،
 ١٤١٤ق؛ **الطبقات الكبرى**: ابن سعد (م. ٢٣٠ق.)،
 به كوشش محمد عبدالقادر، بيروت، دار الكتب
 العلمية، ١٤١٨ق؛ **عرائس المجالس**: الثعلبى
 (م. ٤٣٧ق.)، بيروت، دار المعرفة؛ **العقد الفريد**:
 احمد بن عبدربه (م. ٣٢٨ق.)، به كوشش مفيد
 قميحه، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤٠٤ق؛ **علل
 الشرايع**: الصدوق (م. ٣٨١ق.)، به كوشش بحر
 العلوم، نجف، المكتبة الحديدية، ١٣٨٥ق؛ **عيون
 اخبار الرضا ﷺ**: الصدوق (م. ٣٨١ق.)، بيروت،
 اعلمى، ١٤٠٤ق؛ **فتح البارى**: ابن حجر
 العسقلانى (م. ٨٥٢ق.)، بيروت، دار المعرفة؛ **فتوح
 الشام**: الواقدى (م. ٢٠٧ق.)، بيروت، دار الجليل؛
الفهرست: ابن النديم (م. ٤٣٨ق.)، به كوشش
 تجدد؛ **قاموس كتاب مقدس**: مستر هاكس،
 تهران، اساطير، ١٣٧٧ش؛ **قصص الانبياء**: ابن
 كثير (م. ٧٧٤ق.)، به كوشش مصطفى عبدالواحد،
 دار الكتب الحديثه، ١٣٨٨ق؛ **قصص الانبياء**:
 الجزائرى (م. ١١٢ق.)، قم، الرضى؛ **الكافي**:
 الكلينى (م. ٣٢٩ق.)، به كوشش غفارى، تهران،

١٤٠٥ق؛ **تفسير القمى**: القمى (م. ٣٠٧ق.)، به
 كوشش الجزائرى، قم، دار الكتاب، ١٤٠٤ق؛
التفسير الكبير: الفخر الرازى (م. ٦٠٦ق.)، قم،
 دفتر تليغات، ١٤١٣ق؛ **تفسير مجاهد**: مجاهد
 (م. ١٠٢ق.)، به كوشش عبدالرحمن بن محمد،
 اسلام آباد، مجمع البحوث الاسلاميه؛ **تفسير
 مقاتل بن سليمان**: مقاتل بن سليمان
 (م. ١٥٠ق.)، به كوشش احمد فريد، دار الكتب
 العلمية، ١٤٢٤ق؛ **التنبيه و الاشراف**: المسعودى
 (م. ٣٤٥ق.)، بيروت، دار صعب؛ **تنوير المقباس
 من تفسير ابن عباس**: الفيروزآبادى (م. ٨١٧ق.)،
 بيروت، دار الفكر؛ **جامع احاديث الشيعه**:
 اسماعيل معزى ملايرى، قم، المطبعة العلمية،
 ١٣٩٩ق؛ **جامع البيان**: الطبرى (م. ٣١٠ق.)، به
 كوشش صدقى جميل، بيروت، دار الفكر،
 ١٤١٥ق؛ **جمهرة انساب العرب**: ابن حزم
 (م. ٤٥٦ق.)، به كوشش گروهى از علما، بيروت،
 دار الكتب العلمية، ١٤١٨ق؛ **جوامع الجوامع**:
 الطبرى (م. ٥٤٨ق.)، قم، نشر اسلامى، ١٤١٨ق؛
الخرائج و الجرائح: الراوندى (م. ٥٧٣ق.)، قم،
 مؤسسة الامام المهدي ﷺ؛ **الخصال**: الصدوق
 (م. ٣٨١ق.)، به كوشش غفارى، قم، نشر اسلامى،
 ١٤١٦ق؛ **الصدر المنثور**: السيوطى (م. ٩١١ق.)،
 بيروت، دار المعرفة، ١٣٦٥ق؛ **دلائل الامامه**:
 الطبرى الشيعى (م. قرن ٤ق.)، به كوشش
 الدراسات الاسلاميه، قم، بعثت، ١٤١٣ق؛ **دلائل
 النبوه**: البيهقى (م. ٤٥٨ق.)، به كوشش
 عبدالمعطى، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤٠٥ق؛
روح المعانى: الألوسى (م. ١٢٧٠ق.)، بيروت، دار
 احياء التراث العربى؛ **روض الجنان**: ابوالفتوح رازى
 (م. ٥٥٤ق.)، به كوشش ياحقى و ناصح، مشهد،
 آستان قدس رضوى، ١٣٧٥ش؛ **الروضة فى
 فضائل امير المؤمنين**: شاذان بن جبرئيل القمى
 (م. ٦٦٠ق.)، به كوشش شكرجى، ١٤٢٣ق؛ **زاد
 المسير**: ابن الجوزى (م. ٥٩٧ق.)، به كوشش

مکارم شیرازی و دیگران، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ش؛ نور الثقلین: العروسی الحویزی (م. ۱۱۱۲ق.)، به کوشش رسولی محلاتی، اسماعیلیان، ۱۳۷۳ش؛ واژه‌های دخیل در قرآن مجید: آرتور جفری، ترجمه: بدره‌ای، توس، ۱۳۷۲ش؛ وسائل الشیعه: الحر العاملی (م. ۱۱۰۴ق.)، قم، آل البيت، ۱۴۱۲ق.

علی اسدی



اسماعیل بن جعفر: فرزند امام

صادق علیه السلام که قبر او در بقیع در گذر قرن‌ها

بقعه‌ای داشته است

ابو محمد اسماعیل بن جعفر علیه السلام ملقب به أعرج (دارای یک پای معیوب) فرزند بزرگ امام جعفر صادق علیه السلام بود^۱ و معتقدان به امامت او را اسماعیلیه^۲ می‌نامند.

◀ **شخصیت اسماعیل:** مادر وی فاطمه دختر حسین بن حسن بن علی علیه السلام است که امام صادق علیه السلام به احترام وی، در دوران زندگانی او همسری دیگر برنگزید.^۳ به سبب همین جایگاه، عبدالله افطح فرزند دیگر فاطمه نیز هوادارانی داشت.^۴

دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ش؛ **الکامل فی التاریخ:** ابن اثیر علی بن محمد الجزری (م. ۶۳۰ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ق؛ **کتاب مقدس:** ویلیام گلن و هنری مرتن، ترجمه: فاضل خان همدانی، تهران، اساطیر، ۱۳۸۰ش؛ **الکشاف:** الزمخشری (م. ۵۳۸ق.)، مصطفی البابی، ۱۳۸۵ق؛ **کنز الفوائد:** الکراجکی (م. ۴۴۹ق.)، قم، مکتبه المصطفوی، ۱۴۱۰ق؛ **مجمع البیان:** الطبرسی (م. ۵۴۸ق.)، به کوشش گروهی از علما، بیروت، اعلمی، ۱۴۱۵ق؛ **مختصر البصائر:** الحسن بن سلیمان الحللی (م. ۸۳۰ق.)، نجف، المطبعة الحیدریه، ۱۳۷۰ق؛ **المختصر فی اخبار البشر:** اسماعیل ابوالفداء (م. ۷۳۲ق.)؛ **مروج الذهب:** المسعودی (م. ۳۴۶ق.)، به کوشش اسعد داغر، قم، دار الهجرة، ۱۴۰۹ق؛ **المزهرة:** السیوطی (م. ۹۱۱ق.)، به کوشش فؤاد علی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۹۹۸م؛ **المستطرفات:** ابن ادریس حلی (م. ۵۹۸ق.)، به کوشش گروهی از محققان، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۱ق؛ **مسند احمد:** احمد بن حنبل (م. ۲۴۱ق.)، بیروت، دار صادر؛ **المعارف:** ابن قتیبه (م. ۲۷۶ق.)، به کوشش ثروت عکاشه، قم، رضی، ۱۳۷۳ش؛ **معانی القرآن:** النحاس (م. ۳۳۸ق.)، به کوشش الصابونی، عربستان، جامعه ام القرى، ۱۴۰۹ق؛ **معجم البلدان:** یاقوت الحموی (م. ۶۲۶ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۵م؛ **المعرب من الکلام الاعجمی:** الجوالیقی (م. ۵۴۰ق.)، به کوشش خلیل عمران، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق؛ **مکارم الاخلاق:** الطبرسی (م. ۵۴۸ق.)، بیروت، اعلمی، ۱۳۹۲ق؛ **مناقب آل ابی طالب:** ابن شهر آشوب (م. ۵۸۸ق.)، به کوشش گروهی از استادان، نجف، مکتبه الحیدریه، ۱۳۷۶ق؛ **المنتظم:** ابن الجوزی (م. ۵۹۷ق.)، به کوشش نعیم زرزور، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۲ق؛ **المیزان:** الطباطبائی (م. ۴۰۲ق.)، بیروت، اعلمی، ۱۳۹۳ق؛ **نمونه:**

۱. سر السلسله العلویه، ص ۳۴.

۲. الملل و النحل، ج ۱، ص ۲۹.

۳. شرح الاخبار، ج ۳، ص ۳۰۹؛ الملل و النحل، ج ۱، ص ۱۹۱.

۴. سر السلسله العلویه، ص ۳۴.